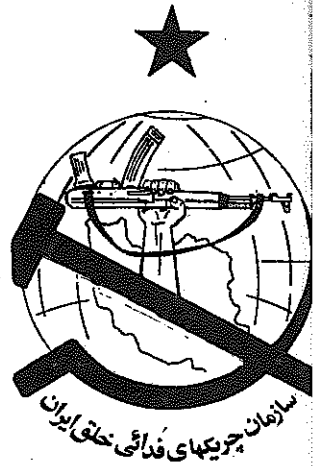


پژوهش‌های علمی

بررسی ساخت اقتصادی روستاهای کرمان



سری تحقیقات روستائی
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

(۴)



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بررسی ساخت اقتصادی روستاهای کرمان

سری تحقیقات روستائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

خرداد ماه ۱۳۵۳ خورشیدی

www.iran-archive.com

چاپ دوم

آذرماه ۱۳۵۶ خورشیدی

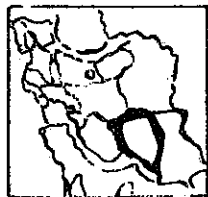
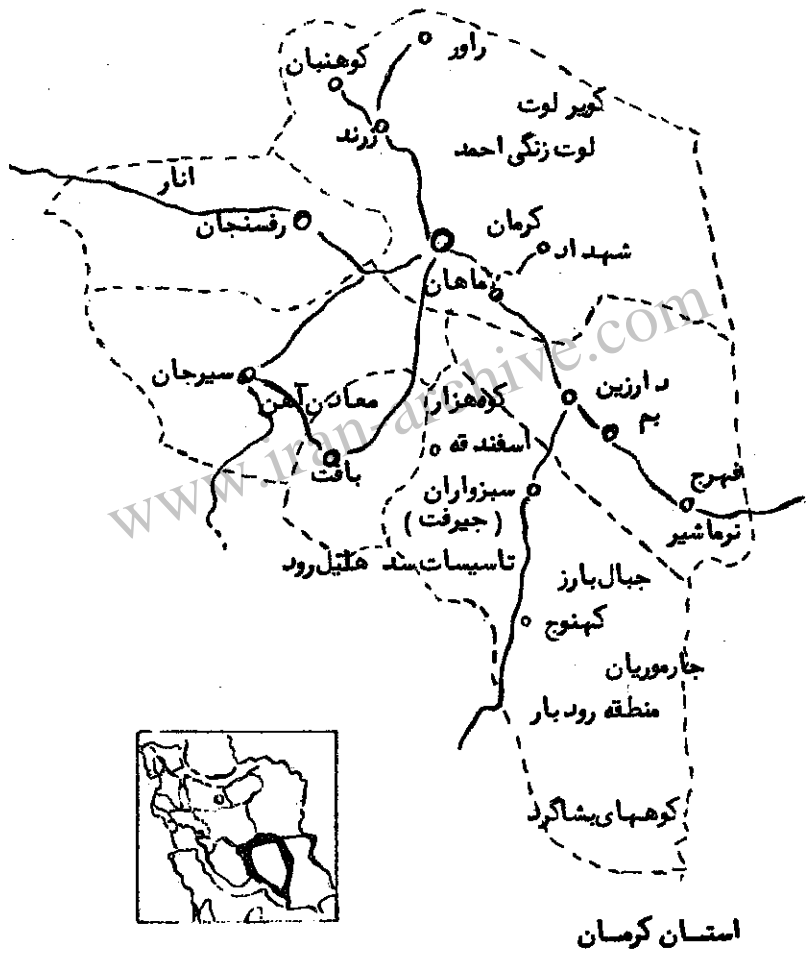
فهرست مطالب

کلیات :

- ۱ . ۰۱ مختصری راجع به اوضاع طبیعی و جغرافیایی
- ۴ . ۰۲ دسته بندی روستاهای استان کرمان
- ۱۱ . ۰۳ معانی برخی از اصطلاحات
- روستاهایی از رفسنجان :
- ۱۴ . ۰۱ اسماعیل آباد
- ۱۶ . ۰۲ شهرآباد، حسن آباد، نونز آباد
- ۲۰ . ۰۳ پاقمه
- ۲۲ . ۰۴ مرج
- روستایی از سیرجان :
- ۲۴ . کمال آباد
- روستایی از کرمان :
- ۳۰ . لنگر
- روستاهایی از بم :
- ۳۶ . ۰۱ رایجن
- ۳۹ . ۰۲ ده میرزا
- ۴۱ . ۰۳ مظفرآباد

۴۲	۴ . ده ملك
۴۳	۵ . گزك
۴۵	۶ . قصر میان
۴۷	۷ . پابنه
۴۹	۸ . خانه خاتون
۵۱	۹ . عباس آباد
۵۳	۱۰ . هاشم آباد
۵۴	۱۱ . حكمت آباد
۵۵	۱۲ . دشت بزنجان
۵۶	۱۳ . دقچه
۵۷	۱۴ . دك فن
۵۸	۱۵ . ابارق
۶۱	۱۶ . دارزین
	روستایی از زیات :
۶۵	باغ شالی (باغ شاه علی)
	روستاهایی از جیرفت :
۶۸	۱ . سمالی (اسماعیلی سفلی)
۷۳	۲ . ماکنگان
۷۷	۳ . دوساری

- | | |
|----|---------------------|
| ۸۹ | ۰۴ . لرد خزان |
| ۹۰ | ۰۵ . امیرآباد |
| ۹۱ | ۰۶ . علی آباد قدیری |
| ۹۴ | ۰۷ . عنبرآباد |
| ۹۶ | ۰۸ . محمدآباد |



موقعیت استان کرمان

کلیات :

۱ - مختصری راجع به اوضاع طبیعی و

جغرافیایی روستاهای کرمان

۲ - دسته بندی روستاهای کرمان

۳ - معانی برخی از اصطلاحات

کلیات

۱. مختصری راجع به اوضاع طبیعی و جغرافیائی روستاهای

کرمان

در روستاهای کرمان آب عموماً کم است و آبیاری همیشه به وسیله قنات انجام می گرفته . اکنون هم به استثنای زمین های مکانیزه، آبیاری که بوسیله چاههای عمیق و نیمه عمیق آبیاری می شوند، بقیه زمین های روستاهای استان کرمان را قنات مشروب می کند و چشمه و (ندرتاً) رودخانه در آبیاری زمین های این استان نقش ناچیزی دارد . اهمیت آب را در این استان از اینجا می توان فهمید که مالکیت اساسی در نفوذ الیزم کرمان، مالکیت آب است و مالکیت زمین اهمیت خیلی کتری دارد . به عبارت دیگر مالکیت زمین وابسته به مالکیت آب است و زمین بدون آب تقریباً ارزشی ندارد، زیرا که گشت دیم در استان کرمان وجود ندارد (به علت کم بودن بارندگی) . البته نفوذ سرمایه در کشاورزی و ورود ابزار و ماشین آلات آبیاری اخیراً زمین را هم دارای ارزش کرده و به مالکیت آن اهمیت بخشیده . خشکسالی آب قنات ها و چشمه های کرمان را به شدت کم می کند و باعث ورشکستگی و آوارگی کشاورزان می گردد . اکنون بسیاری از قنات های کرمان ویران شده که این امر گذشته از اینک نانی از خشکسالی است در اثر شرایط اقتصادی - اجتماعی بی نیز هست که

پس از اصلاحات ارضی و تحول مالکیت در روستاهای تقسیم شده، بوجود آمده .
 از عوامل مهمی که در ویرانی و خشک شدن قنات ها تاثیر داشته است :
 ۱ . عدم توانایی دهقانان در تعمیر و لارویی قناتها ، چون لارویی
 قنات پرخرج است و دهقانان از عهده مخارج آن بر نمی آیند .

۲ . جاههای عمیق مالکان و سرمایه داران یزدی که در کشاورزی کرمان
 سرمایه گذاری کرده اند باعث خشک شدن قنات ها گردیده . نمونه های
 این قبیل دهات زیاد دیده می شود .

۳ . مالکان برای آواره کردن دهقانان از زمین ها و تمك حق آنها
 با حقه های مختلف قنات ها را ویران کرده اند ، مثلا در یکی از دهات بسا
 کامین ، در قنات شن ریخته اند .

استان کرمان دارای ۶ شهرستان است که سه شهرستان کرمان ،
 رفسنجان و سیرجان از نظر آب و هوا به یکدیگر شباهت دارند . شهرستان
 بم گرمسیر و پر آب تر است . بافت سردسیر و نسبتا پر آب است . اما شهرستان
 جیرفت از نظر آب و هوا و شرایط طبیعی با تمام مناطق کرمان فرق دارد و به
 عبارت دیگر اقتصاد کشاورزیش پر بار و با رونق است . جیرفت منطقه ای تقریبا
 گرمسیری است و آب آن هم زیاد است . این منطقه در جنوب کرمان واقع
 است . شرایط جیرفت برای کشاورزی مکانیزه و سرمایه گذاری در روی زمین
 کاملا مناسب است ، زیرا : منابع زیرزمینی آب آن زیاد است ، خاک حاصلخیز
 دارد ، اختلاف درجه حرارت شب و روز کم است (برعکس خوزستان) و خلاصه
 اطراف این منطقه را کوه فرا گرفته که از نفوذ باد های سرد به دشت و کشتزار
 جلوگیری می کند . این شرایط طبیعی سبب شده که جیرفت برای کشاورزی و به

ویژه برای صیفی کاری و باغ های مرکبات و خرما مناسب باشد. به علاوه گرمسیر بودن جیرفت سبب می شود که محصولات صیفی آن زودتر به بازار عرضه شود. تمام این شرایط سبب شده که کشاورزی جیرفت سرمایه عای زیادی را از خارج بسوی خود جذب کند. صیفی کاران یزدی در زمین های حاصلخیز جیرفت سرمایه گذاری عای زیادی کرده اند و قسمت اعظم کشاورزی مکانیزه این منطقه در دست آنها است. (این مطلب در شرح روستاهای جیرفت خواهد آمد). نوعی دیگر از واحدهای تولیدی کشاورزی جدید در شهرستان جیرفت، واحد کشت و صنعت است که بعدا درباره آن توضیح داده خواهد شد.

روستاهای اراک، کرمان و سیرجان و رفسنجان نیز عموما کم آب است. محصول اساسی رفسنجان و بسیاری از روستاهای کرمان پسته است. پسته اصولا به آب زیاد نیازی ندارد و خشکسالی را به خوبی تحمل می کند. مالکنان بزرگ باغ های پسته عموما برای آبیاری باغ های خود چاه عمیق زده اند. در روستاهای شهر کرمان، صنعت قالی بافی رشد زیادی کرده و کشاورزی را تقریبا تحت الشعاع قرار داده است.

محصول عمده بسیاری از روستاهای بم خرما و مرکبات است.

۲. تقسیم بندی روستاهای استان کرمان

روستاهای کرمان را از نظر ساخت اقتصادی می توان به چهار دسته

تقسیم کرد :

الف . روستاهائی که از بند فتود الیزم نرسته اند .

ب . روستاهائی که روابط ناقص و ابتدائی سرمایه داری در آنها

به وجود آمده .

پ . روستاهائی که روابط تولید نسبتا پیشرفته سرمایه داری در آنها

دارد به وجود می آید .

ت . روستاهای صنعت دستی (قالی بافی)

الف . روستاهائی که از بند فتود الیزم نرسته اند خود به سه دسته

تقسیم می شوند :

۱ . روستاهای ویران

۲ . روستاهای فتودالی

۳ . روستاهائی که قبلا از اصلاحات ارضی خرده مالکی بوده اند .

۱ . روستاهای ویران روستاهائی هستند که به علت خشکسالی و ناچیزی

تولید، مالکان دست از آن شسته اند و تضاد اصلی در آنجا، در ظاهر به

شکل تضاد با طبیعت جلوه می کند ولی در تحلیل نهائی باز تضاد با دولت

است . فقر و گرسنگی در این روستاها وحشتناک و رقت انگیز است، مانند

روستای شماره ۱۴ (دك فن) از شهرستان بم .

۲ . روستاهای فتودالی روستاهایی هستند که به هر لحاظ جزه‌ستنیان: اصلاحات ارضی به قلم رفته‌اند (باغ بودن و نزدیک بودن به شهر) و هنوز روابط تولید فتودالی به شکل سابق در آن ها برقرار است. روستاهایی رانیز که در آن ها شق سوم از مرحله دوم اصلاحات ارضی اجرا شده جزء این دسته از روستاها باید به حساب آید . در این روستاها چون بهره مالکانه رایج در کرمان $\frac{2}{3}$ محصول بوده، در نتیجه در ظاهر $\frac{2}{3}$ از زمین های زراعی متعلق به ارباب و $\frac{1}{3}$ متعلق به دهقانان گردیده . در آن قسمت از زمین های روستا که به ارباب تعلق گرفته، هنوز هم روابط سهم بری برقرار است، یعنی کشاورزان این زمین ها را می کارند و محصول را بین خود و ارباب به نسبت $\frac{1}{3}$ و $\frac{2}{3}$ تقسیم می نمایند . نمونه این دسته روستاها عبارتند از روستای شماره یک بافت (باغ شالی) و روستای شماره یک شهرستان بم (راین) . در این دسته از روستاها، تضاد اصلی دهقانان با فتودال ها است .

۳ . برخی از روستاها هم چون قبل از اصلاحات ارضی خرده مالکسی بوده‌اند، به همان صورت باقی مانده‌اند و روابط تولید آن ها همانطور فتودالی است مانند روستاهای شماره ۳ و شماره ۴ از شهرستان رفسنجان (پاتلعه و مرج) .

ب . روستاهایی که روابط ناقص و ابتدایی سرمایه‌داری در آن ها به وجود آمده عبارتند از :

۱ . روستاهای به اصطلاح " موزریزه "

۲ . روستاهای کلا تقسیم شده

۱. روستاهای به اصطلاح "موتوریزه" روستاهایی هستند که مالک آنها برای جلوگیری از تقسیم زمین خود روابط سهم بری و اجاره داری را در آنجا از بین برده و روابط مزدی (اغلب جنسی) برقرار نموده. مانند روستای شماره ۲ (ده میرزا) و روستای شماره ۱۱ (حکمت آباد) از شهرستان بم که در این روستاها مالک به هر یک از کشاورزان ماهی ۳۰ من گندم و ۳۰ تومان پول می دهد. وسایل مکانیزه این روستاها اغلب یک چاه عمیق و یک تراکتور است و آن هم فقط برای ظاهر سازی است. در برخی از این روستاها هنوز روابط سهم بری برقرار است، منتها در آخر هر ماه رعایا لیست حقوق امضا می کنند، در صورتی که در واقع حقوقی در بین نیست. البته در این صورت خاص روستا را باید جزء روستاهای قسمت الف (یعنی روستاهای نیمه فئودالی) به حساب آورد. در این دسته روستاها تضاد اصلی تضاد کار با سرمایه است یعنی تضاد کارگران روزمزد با مالک زمین.
۲. روستاهایی هستند که در مرحله اول اصلاحات ارضی و یا گاهی هم در مراحل دیگر کلا تقسیم شده اند و تولید آن ها بر اساس خرده مالکی عامل است. در این روستاها خرده مالکان خود در زمینشان کار می کنند و گاهی هم کارگر روزمزد می گیرند. البته گاهی هم به کارگران سهمی از محصول می دهند (به جای مزد). بار سنگین قسط ها و ناتوانی مالی و اقتصادی کشاورزان خرده مالک اجازه نمی دهد که روابط تولید در این روستاها رشد کند. نمونه این روستاها روستای شماره ۱ (کمال آباد) سیرجان است. البته لازم به یادآوری است که اقتصاد این روستا به طور استثنائی پر رونق است، در سایر روستاهای این دسته چنین نیست.

در بیشتر نقاط ایران، در این قبیل روستاها قشر بندی طبقاتی به سرعت در حال تکوین است به طوری که در بین خرده مالکان سه قشر مرفه، میانه حال و بی چیز به وجود آمده. قشر بی زمین یا کارگران کشاورزی نیز روز به روز توسعه می یابد؛ زیرا از طرفی دهقانان بی چیز روز به روز بی چیز تر شده و به ورشکستگی کشیده می شوند و از طرفی به ثروت دهقانان مرفه و روز به روز افزوده می گردد (به علت توسعه کشت مکانیزه و تصاحب زمین ورشکستگان). مشخص است که در چنین صورتی تضاد های مختلف بین قشر های مختلف روستائیان وجود دارد، مثلا تضاد بین کارگران کشاورزی و دهقانان زمیندار و تضاد بین دهقانان کم زمین و میانه حال با دهقانان مرفه، تضاد بین دهقانان زمیندار با دولت (به علت پرداخت قسط و وام بانک کشاورزی) تضاد بین کارگران کشاورزی با دولت (به این علت که زمینی به آن ها تعلق نگرفته) ولی تضاد اصلی، تضاد بین دهقانان کم زمین و بی زمین با دولت است.

در کومان روستاهایی که اصلاحات ارضی مرحله اول در آن ها اجرا شده و کلا زمین، علی ده به دهقانان صاحب نسق واگذار گردیده باشد، بسیار نادر است، به طوری که در ۳۳ نمونه مورد مطالعه، یک مورد دیده شده (کمال آباد سیرجان) .

پ. روستاهائی که روابط تولید نسبتا پیشرفته سرمایه داری در آن ها دارد بوجود می آید :

۱. شرکت های سهامی زراعی
۲. کشت و صنعت
۳. زمین های مکانیزه خصوصی

۴. باغ‌های آباد

۱. شرکت سهامی زراعی در استان کرمان فقط یکی وجود دارد که آنهم در باغین، نزدیکی شهر کرمان است. این شرکت جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲. شرکت کشت و صنعت یک نوع واحد بزرگ تولیدی کشاورزی است که دولت میخواهد چند نای آن را در جیرفت کرمان ایجاد کند. فعلا دولت مشغول کارهای زمینه‌ای برای احداث این واحد های کشاورزی مدرن است. این شرکت ها، طبق ماده ۱ قانونی که در خرداد ماه ۴۷ تصویب شد، فقط با سرمایه دولت یا با سرمایه های خصوصی داخلی و خارجی و یا با سرمایه مختلط دولت با سرمایه های داخلی و خارجی تاسیس خواهد شد.

این شرکت ها زمین هارا از دهقانان گرفته اند (ظاهرا خرید هاند) و در مساحت ۲۵ هزار هکتار سرمایه گذاری کرده اند تا بهترین محصولی که مناسب با آب و هوا و خاک منطقه است کشت و به خارج صادر نمایند. دهقانان روی زمین ها به عنوان کارگر کار خواهند کرد. ناراضی شدیدی دهقانانی که تازه صاحب زمین شده اند از ایجاد این شرکت ها به خوبی روشن است. نمونه این کشت و صنعت در زمین های زیر سد دزخوزستان نیز مشاهده می شود.

تا کنون فقط دولت در این شرکت ها (جیرفت) سرمایه گذاری کرده و شرکت های خارجی (آمریکایی، اسرائیلی و یوگوسلاوی) به عنوان پیمانکار

۱. به کتاب " درباره شرکت های سهامی زراعی " انتشارات سازمان

چریکهای فدائی خلق مراجعه شود.

برای آن کار کرده اند . کارهایی که تا کنون انجام شده ، بیشتر کارهای ، زمینه‌ای مانند احداث راه و حاده و حاه عمیق و آزمایش‌های علمی - فنی بوده است . فعلا تا وقتی که هزینه های سنگین زمینه‌ای و تحقیقاتی در کار است سروکله سرمایه های خصوصی و خارجی پیدا نیست .

۳ . زمین های مکانیزه خصوصی زمین هایی هستند که مالکان و یا نصفه کاران سرمایه دار روی آنها سرمایه گذاری کرده و با استفاده از ماشین آلات ، واحد های تولیدی نوع سرمایه داری به وجود آورده اند ، مانند صیفی کاری یزی ها در روستاهای شماره ۳ (دوساری) و شماره ۶ (علی آباد قدیری) جیرفت . البته لازم به یادآوری است که ارزانی نیروی کار در روستا از رشد مکانیزاسیون و ارتقا سطح تکنیک در این روستاها جلوگیری و پیشرفت آنها را از نظر فنی محدود کرده است . لازم به گفتن نیست که در اینجا نیز تضاد اصلی تضاد کار با سرمایه است ، یعنی تضاد کارگران کشاورزی با سرمایه داران .

۴ . باغ های آباد روستاهایی است که به علت باغ بودن ، در جریان اصلاحات ارضی تقسیم نشده و اکنون در آن ها یا روابط سهم بوری برقرار است و یا روابط مزد بوری . این باغ ها اغلب دارای محصول فراوان هستند . البته در باغ هایی که محصولشان بهتر و بیشتر است روابط مزد بوری بیشتر برقرار است تا روابط سهم بوری ، مانند باغ های پرتغال و لیمو . اما در باغ های سیاه درخت و خرما روابط سهم بوری بیشتر برقرار می باشد . نمونه باغ های آباد در روستاهای شماره ۳ جیرفت (دوساری) و شماره ۸ (محمد آباد) جیرفت و نیز در روستم آباد هرنندی (در این جزوه مطالعه نشده است) می باشد . رستم آباد هرنندی (در حدود ۳۰۰ هکتار باغ پسته است که

سالانه در حدود ۲/۵ میلیون تومان درآمد دارد. در این روستا روابط مزدبگری برقرار است.

ت. روستاهای صنعت دستی (قالی بافی)

در برخی از روستاهای کرمان که کشاورزی دچار رکود شده بوده و در نتیجه نیروی کار ارزان و فراوان پیدا می شده، اربابان بزرگ قالی کرمان، شروع به احداث کارگاههای کوچک (با یک یا دو دار) قالی بافی کرده اند. اکنون برخی از این روستاها دارای ۳۰۰ - ۲۰۰ و بیشتر دار قالی است و اهالی از قالی بافی روزگاری گذرانند، مانند روستای شماره ۱ کرمان (لنگر) .
 رویهمرفته ده نوع روستا در کرمان وجود دارد که آن ها را در قسمت تقسیم بندی کردیم. اکنون به بررسی یک روستاهایی که بر اساس نمونه گیری پراکنده اتفاقی، انتخاب کرده ایم می پردازیم. در این بررسی توجه اساسی ما به ساخت اقتصادی است و اگر در زمینه های دیگر هم سخن رفته، فقط بطور فرعی و حاشیهای بوده است، مطالبی بوده که ناخواسته با آن ها برخورد کرده ایم و به هر حال یادداشت کردن آن ها را ترجیح داده ایم.

۳. معانی برخی از اصطلاحات

۱. نسق

نسق حق رعیت بر زمین، در روابط تولید فتووالی قبل از اصلاحات ارضی بود. به عبارت دیگر قبل از اصلاحات ارضی زمین های مالک بین چند نفر رعیت تقسیم شده بود که هر یک قسمتی از آن را می کاشتند و به ارباب بهره مالکانه می دادند. به هر یک از این رعایا، صاحب نسق می گفتند و کسانسی را که زمین دستشان نبود خارج از نسق می گفتند.

۲. حبه

حبه واحد آب است و عبارتست از $\frac{1}{16}$ دانگ یعنی $\frac{1}{5}$ ساعت آب در مدت ۶ شبانه روز از یک شش دانگی. معمولاً تمام آب (قات یا چشمه) یک روستا ۹۶ حبه یا شش دانگ است. البته حبه واحد زمین هم هست و آن مقدار زمینی است که یک حبه آب آنرا سیراب می کند. چون در کرمان مالکیت آب اساسی است و مالکیت زمین فرعی، بنابراین واحد اندازه گیری مالکیت نیز واحد اندازه گیری آب است.

۳. قصب

قصب عبارت از $\frac{1}{400}$ هکتار است یعنی ۲۵ متر مربع زمین.

۴. من تخم کار

من تخم کار واحد زمین است و عبارت از مقدار زمینی است که یک من بذری در آن می پاشند.

۵. تشنه آب

تشنه آب در برخی از روستاها واحد آب است که مقدار آن در روستاهای مختلف فرق می‌کند. تشنه ظرف سوراخی بوده که روی آب می‌انداخته‌اند. مدت زمانی را که طول می‌کشید تا این ظرف پر شود، يك تشنه آب می‌گفته‌اند که واحد زمان بوده است. اکنون زمان آب دادن زمین و غیره را با ساعت اندازه می‌گیرند ولی اصطلاح تشنه همچنان باقی مانده. مثلاً در انگرس هر ۹ دقیقه از ۱۸ شبانه روز (گردش آب مخصوص این ده) آب سرشته قنات‌های روستا را يك تشنه می‌گویند.

۶. مزرعه

اگر آب‌های ده (چشمه‌ها و قنات‌ها) پراکنده باشند و رویهم نریزند، مقدار زمینی را که هر يك از این آب‌های پراکنده (چشمه یا قنات) مشروب می‌کند يك مزرعه می‌گویند. در مزرعه‌هایی که از خود ده کمابیش فاصله دارند، معمولاً چند خانه برای سکونت موقت در فصل‌های کاشت و برداشت محصول، می‌سازند. مزرعه معمولاً زیاد بزرگ نیست، زیرا اگر زیاد بزرگ باشد، تعداد کشاورزان آن هم زیاد است و در نتیجه خانواده‌های کشاورزان می‌توانند تمام سال را به طور دائم در آن زندگی کنند، که در این صورت به آن ده می‌گویند نه مزرعه.

رفسنجان :

- ۱ - اسماعیل آباد
- ۲ - شهر آباد ، حسن آباد ، نوش آباد
- ۳ - پاقعه
- ۴ - مرج

روستای شماره یک رفسنجان
اسماعیل آباد

اسماعیل آباد دهی است در حومه رفسنجان و در نزدیکی آن که ۵۲ خانوار جمعیت دارد. قسمت قابل توجهی از زمین های ده از سالها قبل از اصلاحات ارضی باغ پسته بوده و باغبان مزدور (کارگر) آنها را اداره می کرده. قسمت دیگر هم که زمین زراعی بوده مشمول مرحله دوم اصلاحات ارضی (شش) توافق بر اساس تقسیم زمین به نسبت سهم مالک و رعیت) شده. یعنی ظاهراً $\frac{1}{3}$ زمین های قسمت اخیر به دهقانان رسیده و $\frac{2}{3}$ آن به ارباب ها که ارباب ها سهم خود را نیز باغ پسته کرده اند و بر آن کارگر مزدور کاشته اند. اکثر دهقانانی نیز که پس از اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند و تعدادشان در حدود ۲۰ نفر است، زمین های خود را باغ پسته کرده اند. بین این بیست نفر کسانی که $\frac{1}{8}$ حبه زمین دارند، زیاد هستند.

تعدادی از صاحبان زمین و مقدار آبشان

۱۵ حبه	۱ نفر
۱۴ حبه	۱ نفر
۱۲ حبه	۱ نفر
۷ حبه (عمر نفر)	۳ نفر

۱ نفر	۳ / ۵ حبه
۲ نفر	۱ حبه (هر نفر)
و غیره .	

به گفته کدخدای این ده ۶ در قدیم ارباب زمین زراعی را به زعیم واگذار می کرده و $\frac{۲}{۳}$ محصول را به عنوان بهره مالکانه می گرفته . زعیم نیز برای کشت زمین زراعی چند نفر مزدور می گرفته و مزد آنها را خود می پرداخته . هر زعیم مجبور بوده که در باغ های پسته ارباب با مزدوران خود به عنوان بیگار کار کند و مزد مزدوران را از جیب خود بپردازد . به عبارت دیگر باغ های پسته بوسیله بیگاری زعیم و مزدورانش اداره می شده . بعد از (قبل از اصلاحات ارضی) این روابط از بین رفته و ارباب برای اداره باغ پسته اش دیگر خود مزدور می گرفته و مزد آنها را نیز خود می پرداخته .

www.iran-archiv.com

روستای شمارهٔ دورفسنجان (سه ده بهم پیوسته)

شهرآباد ، حسن آباد ، نوش آباد

شهرآباد ۵۲ خانوار

حسن آباد ۵۰ خانوار

نوش آباد ۵۸ خانوار

سه ده نامبرده به هم پیوسته‌اند و از یکدیگر قابل تمیز نیستند . از نظر تشکیلات اداری (کدخدا ، شرکت تعاونی و دبستان) نیز به هم پیوسته‌اند . قلات روستای اول خشک شده (از سال ۱۳۴۰) و اقتصادش دچار رکود گردیده ، این ده دارای ۲ دانگ (۳۲ جبه) باغ پسته و ۵ دانگ زمین زراعی است (کل ده استثنائاً ۷ دانگ است) که در گذشته در آن گندم و جو کشت می‌شده ولی فعلاً به علت نبودن آب قابل کشت و زرع نیست . مردم روستای اول فعلاً معاش خود را با مزدوری در باغ‌های پسته ، روستاهای اطراف و کار در شهر می‌گذرانند .

کارزنها در اقتصاد خانوار روستای اول نقش مهمی دارد . زنهارا هنگام پسته پوست کنی تقریباً بدون استثنا در باغ‌های پسته کار می‌کنند . آنها اغلب با دندان خود پسته را خندان می‌کنند و برای پوست کردن و خنسدان کردن هر من پسته ۷-۸ ریال مزد می‌گیرند . به طور متوسط یک نفر در روز ۳ من پسته پوست می‌کند . بدین ترتیب مزد روزانه هر زن به طور متوسط ۲۵ - ۲۰

ریال است . دخترها در خانه گلیم نیز می بافند . مزد بافتن يك گلیم و گزی (غرض گلیم کمتر از $\frac{1}{5}$ گز است) شصت تومان است . معمولا گلیم باقمهای هر خانوار در خانه خود، روی گلیم خودشان کار می کنند . گلیم ها نخسی (پنبه ای) است . ضمنا برای هر گلیم باندازه پیش گفته ، در حدود چهار تومان ریس می خرند . قیمت فروش این گلیم ها در حدود ۱۰۰ - ۱۲۰ تومان است .

مرد ها در صورتی که برای کسی کار دائمی انجام دهند (در باغ پسته) حدود ۶ تومان مزد می گیرند و در غیر این صورت مزدشان در حدود هفت تومان است . البته در خود رفسنجان مزد فعله ۱ تومان است و بدینجهت برخی از مردان روستای اول برای کار به رفسنجان می روند .

در نزدیکی های روستاهای فوق ، باغ های مکانیزه ، رستم آباد قرار دارد که مالک آن هرندی است . این باغ ها در حدود ۳۰۰ هکتار وسعت دارد و ظاهرا بهترین پسته های منطقه در آن به عمل می آید . قسمت عمده ای از نیروی کار روستاهای اطراف به این روستا جذب می شود . درآمد خالص سالانه باغ پسته ، این روستا بیش از $\frac{2}{5}$ میلیون تومان است . به گفته مردم این منطقه ، هرندی علاوه بر مالکیت در دهات دیگر رفسنجان ، در جیرفت نیز زمین و باغ و نخلستان دارد . هرندی برای باغ بزرگ پسته خود چندین چاه عمیق زده قنات های اطراف را خشکانیده . مردم می گویند که آب روستای اول هم به همین علت خشک شده .

روستای دوم (حسن آباد) دهی است پیوسته به روستای اول و کلا شبیه روستای اول است ، منتها در این ده آب قنات خشک نشده . قسمت

اعظم زمین های ده باغ پسته است .

صورت مالکان ده و مقدار زمینشان

۱ نفر	۳۹/۵	حبسه
۱ نفر	۱۲	حبسه
۱ نفر	۶	حبسه
۴ نفر	هر نفر ۴	حبسه
۶ نفر	هر نفر ۲	حبسه
۱ نفر	۳/۵	حبسه
۱ نفر	۳	حبسه
۱ نفر	۱/۵	حبسه
۴ نفر	هر نفر ۱	حبسه
۱۷ نفر	هر نفر ۰/۵	حبسه

چنانکه آمد، روستای دوم از نظر ساختمان های مسکونی از دوروستای دیگر قابل تفکیک نیست و مرز مشخصی با آنها ندارد . مسایل کار و مزد و به طور کلی روابط تولید در هر سه این روستا ها به یکدیگر شبیه است . روستای سوم نیز به دوده مزبور پیوسته است . این ده از دوده دیگر نوسازتر است و می توان گفت که دوده دیگر دارد به روستای سوم منتقل میشود . هیچده حبه از این ده زمین زراعتی وقتی است که در آن گندم و جو و پنجه می کارند . بقیه زمین های ده که در مرحله دوم اصلاحات ارضی براساس توافق بین مالک و زارع به نسبت $\frac{۲}{۳}$ و $\frac{۱}{۳}$ تقسیم شده . مالکان زمین های خود را باغ پسته کرده اند . برخی از زارعین نیز قسمتی یا تمام زمین های خود را باغ

پسته کرده اند .

روستای سوم چند مالک بزرگ دارد که قسمت قابل توجهی از زمین های ده متعلق به آنهاست .

سلفاخران برای خرید پسته از اول فروردین تا آخر مرداد از رفسنجان به ده می آیند . در اول فروردین آنها پسته را کیلویی ۸۰ ریال و در مرداد ماه کیلویی ۹۰ ریال می خرند .

در نزدیکی این سه روستا روستاهای دیگری قرار دارد که همگی تولید عمده شان پسته است . در فصل کار از جاهای دیگر برای کار در بساغ های پسته به این روستا ها و از جمله به رستم آباد هرندی می آیند .

www.iran-archive.com

روستای شماره سه رفسنجان

پا قلعه

جمعیت ۵۳ خانوار .

این ده روستایی کوهستانی و دور افتاده است که تابع رفسنجان است .
 آب این روستا از چشمه و رودخانه تامین می شود که در اثر خشکسالی و نباریدن
 باران در سه ساله اخیر آب آنها بسیار کم شده . کشاورزی در این روستا ،
 در اثر خشکسالی تقریباً متوقف شده و اهالی به کمک قالی بافی و مقصدار
 ناجیزی دامداری زندگی خود را تامین می کنند .

بسیاری از مرد ها برای کار به شهر می روند (رفسنجان ، روستاهای
 نزدیک کرج ، بندرعباس و باغ های پسته روستاهای رفسنجان) و زنها نیز
 در خانه قالی بافی می کنند . قالی بافی زن ها قسمت مهم و بلکه اساسی
 از درآمد خانواده را تشکیل می دهد . به طور متوسط دو تا زن که روی یک قالی
 کار کنند هر سه ماه یک قالیچه می بافند . البته کار قالی بافی با داراقتسی
 به علت مشکل بودنش از عهده زنان پیر و مسن بر نمی آید . بدین دلیل
 در هر خانواده بیش از یک نفر بافنده به ندرت یافت می شود . به همین دلیل
 هر خانوار در سال ۱ الی ۳ قالیچه می بافد نه بیشتر . ریس را بعضی خانواده
 ها از پشم گوسفندان خود تهیه می کنند و بعضی آنها را نقد می خرند به بهای

۱۴۰ تومان (برای هر قالی) . بیشتر خانواده ها ریس را نسبه از شعبان دکاندار روستای مجاور که در نزدیکی این ده قرار دارد می خرید و بعد از سه ماه به جای ۱۴۰ تومان ۱۶۲/۵ تومان می پردازند . بهره این اعتبار ۵٪ در ماه است . علاوه بر این ، قالی آنها را نیز شعبان می خرد و بهای بسیار نازلی به آنها می پردازد . شعبان هر قالی را از آنها . . . ه تومان می خرد . معمولا از شهر بابک هم برای خرید قالی به این ده می آیند . این قالی ها را در شهر می توان ۷۰۰ تومان فروخت .

این روستا از قبل از اصلاحات ارضی متعلق به خرده مالکان بسوده و بدین جهت شامل اصلاحات ارضی نشده . در روستای فوق ۳ تا ۴ نفر داران ۸ حبه زمین هستند و عده زیادی هم کم زمین (در حدود ۵/۰ و $\frac{1}{4}$ حبه و کمتر) و بقیه بی زمین هستند . کسانی که زمین زیادتر دارند آنها را به زعم (رعیت) واگذار می کنند و طبق روابط فتووالی سنتی $\frac{2}{3}$ محصول را بابت حق مالکانه دریافت می دارند . خشکمالی و ناصاعه بودن شرایط طبیعی برای کشاورزی سبب شده که اقتصاد این ده رونق پیدا نکند و در نتیجه روابط تولیدی در سطح پائین خود باقی بماند . در این ده باغهای بادام و گرد و نیز وجود دارد .

روستای شماره چهار رفسنجان



جمعیت ۱۱ خانوار .

این روستا در نزدیکی روستای پاتلعه قرار دارد و شرایط طبیعی و اوضاع اقتصادی - اجتماعی آن نیز به پاقلعه شبیه است . در اینجا هم باغهای پادام و گردو وجود دارد . زراعت این روستا نیز گندم و جو است . اگر خشکسالی نباشد وضع مردم این ده زیاد بد نیست و با اندازه بخور و نعیر محصول دارند زیرا که یک درخت پادام سالانه در حدود ۷ تومان درآمد دارد دهقانان کم زمین فراوانند و کشاورزان بی زمین نیز یافت می شوند . بزرگترین خرده مالک ده دارای ۷ حبه زمین است . معمولاً به علت خشکسالی حدود ۹۰٪ از مردم ده برای کار به شهر می روند .

خشکسالی چند سال اخیر به شعبان دکاندار ده کمک کرده که سرمایه اش را بیشتر به کار اندازد و بدین ترتیب دم و دستگامی به هم بزنند . سرتاسر روستا مردم قند و چای و خواربار و سایر لوازم زندگی خود را از او نسبه می خرند و بعد از اینکه از شهرها با جیب پر برگشتند جیب هایشان را در دکان شعبان خالی می کنند . زیرا او بهره پولش را روی قیمت اجناسی که به مردم می فروشند می کشد . در نتیجه دار و ندار آن ها نصیب شعبان

می شود . ضمناً مردم از بانگ ها هم شکایت دارند و می گویند که معلوم نیست این بانگ ها دیگر از جان ما چه می خواهند که با زور زاندارم و زندان وامهای دریافتی ما را با بهره ای که رویش می کشند از ما می گیرند . ما باید با بهره بیشتر پول قرض کنیم و وام بانگ ها را بپردازیم ، یا بهره دیرکرد پول را کنه ۱۴٪ است تقبل کنیم . مردم اغلب مجبور می شوند برای گرفتن وام از بانگ ها (بانگ کشاورزی) علاوه بر بهره و کار مزد و سایر وجوه قانونی ، رشوه هم بپردازند .

چنانکه آمد شعبان ، دکاندار ده ، از طریق پیش خرید قالی نیز روستائیان را استثمار می کند .

مدرسه ده دارای در حدود ۷۰ شاگرد است که بوسیله دو معلم سپاهی دانش اداره می شود . یکی از چیزهای جالب ده این بود که اهالی کودکان خود را برای تحصیل به شهر (رفسنجان) می فرستادند و چندین پسر دیپلمه از ده برخاسته اند . حتی چند تا پسر دانشگاهی هم دارند . شاید علت این امر رکود اقتصاد کشاورزی و بیکاری کودکان باشد .

روستایی از سیرجان
کمال آباد

جمعیت ۷۶ خانوار.

دهی است در نزدیکی کرمان . این ده بسیار پر آب است و سه قنات
آنها آبیاری می کند .

زمین و مالکیت

زمین های این ده در مرحله اول اصلاحات ارضی تقسیم شده و اکثر

کشاورزان ده صاحب زمین هستند :

۵۴	تعداد خانوار کشاورز خود کار (زمیندار)
۵	تعداد خانوار دکاندار
۵	تعداد خانوار چوپان
۸	تعداد خانوار کارگر (بی زمین)
۴	تعداد خانوار بیوه زن
۷۶	جمع کل خانوار ده

"کشاورز خود کار" همان خرده مالک عامل است یعنی کشاورزان صاحب

نسقی که پس از اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند و اکنون زمین
های خود را خودشان می کارند .

تعداد کشاورزان خود کار و مقدار زمین آنها

۱۷ خانوار هر خانوار	۱/۵ حبه
۱۴ خانوار هر خانوار	$1 \frac{3}{4}$ حبه
۱ خانوار هر خانوار	۱ حبه
۲ خانوار هر خانوار	$2 \frac{1}{4}$ حبه
۲ خانوار هر خانوار	۰/۵ حبه
۲ خانوار هر خانوار	$2 \frac{2}{5}$ حبه

کشاورزان خود کار علاوه بر زمین خود زمین های اربابسی را نیز

می کارند و به ارباب اجاره بها می پردازند .

مقدار زمین های اربابی بدین شرح است

مال يك مالك غير عامل است	۵ حبه	$\frac{1}{4}$
“ “ “	۵ حبه	$\frac{1}{4}$
“ “ “	۳ حبه	$\frac{2}{5}$
“ “ “	۳ حبه	
“ “ “	$3 \frac{1}{4}$ حبه	
“ “ “	۱ حبه	
“ “ “	$3 \frac{1}{3}$ حبه	
“ “ “	$1 \frac{5}{16}$ حبه	

هر حبه آب این روستا = $1/5$ ساعت آب = $62/5$ من گندم

عامل بسیار مهمی که اقتصاد ده را متعادل نگاه داشته است وجود

آب فراوان سه قنات است که ده را آبیاری می کند . سال گذشته بانگ کشاورزی

وام در حدود ۱۱۰ هزار تومان در اختیار اهالی گذاشته تا قنات های خود را لاریبی کنند و این امر سبب آبادانی ده و سرپا نگهداشتن دهقانان بزرگی و متوسط شده . کشاورزان خود کار گذشته از قسط زمین های خود می بایست سالانه قسط وام قنات را نیز بپردازند (البته هر کس به نسبت مقدار آب زمینش) یعنی برای هر حبه آب در حدود ۲۰۰ تومان در سال .

قسط زمینی، در حدود $1\frac{2}{3}$ حبه سالانه در حدود ۱۰۰۸۸ ریال است . دهقانان همگی از عهده پرداخت قسط خود بر می آیند و اغلب مقروض هم نیستند .

کشت عهده ده چغندر، گندم، جو و تریاک است . کشاورزان چغندر خود را به کارخانه قند بردسیر می فروشند (منی ۳/۵ ریال) و تفاله چغندر قند را برای خوراک حیوان خود از کارخانه می خرند (منی ۵/۱ ریال) اقتصاد پر بار ده که ناشی از آب فراوان و شرایط مساعد برای کشت چغندر، گندم، جو و تریاک است باعث شده که دهقانان زمیندار خرده پسا و متوسط بتوانند روی پای خود بایستند . دولت نیز با دادن وام قنات به این تعادل اقتصادی کمک کرده و بدینجهت فعلا گرچه در مدت کوتاه - شرایط برای تمرکز زمین و ورشکستگی دهقانان خرده پا مساعد نیست . چنانکه نشان داده شد دهقانان مرفه (کولاک) در این ده وجود ندارد . زمینها تقریبا بطور مساوی تقسیم شده و بیشتر اهالی ده دهقانان متوسط هستند . برای تعیین پروسه تمرکز زمین در این ده باید به ساله درآمد و پس انداز دهقانان زمیندار پرداخت و روشن ساخت که دهقانان زمیندار پس انداز خود را چگونه به مصرف می رسانند و نیز دهقانان مقروض یا قرض خود چه

می‌کنند و خلاصه آنچه هست در همین مساله سیر انباشتگی قرضها و پس‌انداز
 هاست که چگونگی جریان بعدی تمرکز زمین را مشخص خواهد ساخت. آنچه
 در اولین نظر بچشم می‌خورد اینست که کالاهای مصرفی تازه وارد به ده که
 سوخت بورژوازی کمربادور است از پس‌انداز آنان جلوگیری می‌نماید. اما اینکس
 ادامه این جریان چگونه خواهد بود، احتیاج به مطالعه بیشتری دارد. کار
 کودکان در این ده بشدت رواج دارد، بویژه کار دختران، حتی دختران
 پنج شش ساله هم چغندر پتار (برگ کندن و پاک کردن) می‌کنند.
 کار در تمام مدت سال وجود دارد و استفاده شدیدی از کار کودکان سبب
 شده که آموزش و پرورش در ده رشدی بسیار ناچیز داشته باشد، بطوری
 که در این روستای ۷۶ خانواری فقط ۳۵ دانش‌آموز وجود دارد.

مزد کارگران مرد روزانه ۵۰ ریال

مزد کارگران زن روزانه ۲۵ ریال

مزد کارگران کودک روزانه ۱۵ ریال

اغلب زنان به جای مزد خود برگ چغندر هائی را که پتار کرده‌اند
 می‌گیرند تا خوراک گوسفندان خود کنند.

خوش‌نشین ها (کارگران بی زمین)، اگر چه تعدادشان بسیار
 اندک است، وضع بسیار بدی دارند و ظاهراً تضاد اصلی شان با کشاورزان
 زمیندار است. تعداد خانوار کارگران بی‌زمین چنانکه قبلاً آمد، ۸ خانوار است.
 تضاد اصلی دهقانان زمیندار نیز بادولت است که قسط زمین و وام و
 بهره قنات را از آنان می‌گیرند. ولی تضاد هنوز بسیار پنهان و آشکار
 نشده است.

در این روستا باغ پسته‌ای وجود دارد که ملك اریایی است (متعلق
به يك فتودال زرتشتی) . این باغ $\frac{1}{3}$ حبه آب دارد (هر پشبانسه روز
۵ ساعت) . دهقانان زمیندار این امر را ناحق می‌دانند .

۵ ریال کار می‌کند. البته باید توجه داشت که هیچکس نمی‌تواند تمام سال را روزی ۸ ساعت روی دار قالی کار کند، مگر روزمزد ها که خودشان نقشه خوانی بلد نیستند و برای استاد کاران کار می‌کنند و روزانه مزد می‌گیرند. بنابراین در قالی بافی مقدار زیادی بیکاری پنهان نیز وجود دارد. یک نفر استادکار مرد اگر در روز ۸ ساعت تمام کار کند ممکن است روزی ۱۰ تومان مزد ببرد اما میانگین مزد سالانه او از ۵۰ ریال تجاوز نمی‌کند. مزد روزانه کارگران استادکار زن از این هم کمتر است. هر خانوار قالی باف از ۱ تا ۳ (بیشتر ۲) دار قالی در خانه دارند. ارباب این دارها همچنانکه قبلاً گفته شد بیشتر فرخی است. رئیس خانوار قالی باف معمولاً نقشه خوان است و بچه‌ها، بخصوص دخترها شاگرد (پرکن) خوش‌نشین‌هایی که قالی‌بافی نمی‌دانند بچه‌های خود را برای شاگردی پیش قالی‌باغان می‌فرستند. برای اینکه دار قالی در خانه‌ای بر پا شود، لازم است یک مرد نقشه خوان در آن خانه وجود داشته باشد. زیرا برای کارهای داربندی احتیاج به نیروی بدنی یک مرد است. همچنین تا در خانه‌ای نقشه خوان یا اوستا نباشد، اربابان به آن خانوار دار قالی نمی‌دهند. گذار بازرسان شاهنشاهی بر این ده باعث شده که کارگاههای قالی بافی تا حدودی بهداشتی شود بدین ترتیب که کف کارگاهها موزائیک یا آجر فرش شده، دیوارها را سفید کرده‌اند و نور بالنسبه کافی می‌باشد برای آن تامین نموده‌اند. بازرسان ظاهراً اربابان قالی این روستا را باین کار مجبور کرده‌اند ولی اربابان سپس تمام هزینه بهداشتی کردن کارگاهها را بگردن قالیباغان گذاشته‌اند. اربابان در معامله با قالی باغان تعجب‌های زیادی می‌کنند. مثلاً در وزن ریس و قالی و افت‌های ریس

مقداری از مزد قالیباف را به بهانه اینکه از ریس و یا از کار دزدیده به نفع خود کم می کنند. در مورد شمردن گره های قالی نیز ردیف پشت ——— هم را که اتفاقاً به هم خیلی نزدیک شده باشد (در اثر کوبیدن زیاد شانه) یک ردیف حساب می کنند. اخیراً قالیبافان برای سرعت کار، دانه های قالی را گره نمی زنند. این کار از طرفی سبب ظرافت بیشتر قالی شده و از طرفی سبب کم دوامی آن. اربابان قالی چون ظرافت و زیبایی ظاهری قالی بیشتر مورد توجهشان است از این موضوع استقبال کرده اند. کاریجه ها همچنان در قالی باقی وجود دارد و این امر سبب شده که گرایش به تحصیل در جبهه — های قالی بافان بسیار کم باشد.

کشاورزی

در حدود ۱۰۰ خانوار از اهالی ده یعنی $\frac{1}{3}$ جمعیت آن کشاورز هستند. آب زارعین این ده از سه منبع تامین می شود.

- ۱ — سه رشته قنات که بهم می پیوندند.
 - ۲ — یک حلقه چاه عمیق که ۳۲ خانوار شریکند.
 - ۳ — یک حلقه چاه عمیق تازه احداث شده که ۱۵ نفر در آن شریکند.
- گردش آب قنات های ده ۱۸ شبانه روز است. از این ۱۸ شبانه روز یک شبانه روزش متعلق به رشیدفرخی و بقیه متعلق به خرده مالکان است. بسیاری از این خرده مالکان غیر عامل هستند و ساکن شهر. سه قنات رویهم ۲۷۲۰ تشته آب دارد که هر تشته ۹ دقیقه آب در ۱۸ شبانه روز است از سه قنات. آب های این قنات ها خرید و فروش هم می شود و هر تشته آب آن کلاً برای همیشه به ۷۰۰ تومان فروخته می شود. اجازه یک تشته آب یعنی

خریدن ۹ دقیقه آب از سه قات . ۵ تومان است .

گردش آب چاه ۳۲ خانوار ۱۲ شبانه روز است . آب این چاه دارای مالکان مختلفی از ۵ دقیقه تا ۲۲ ساعت است . به گفته یکی از اهالی این چاه دارای يك مالك ۲۲ ساعتی است . بقیه مالکان هیچکدام از ۵/۵ ساعت بیشتر آب ندارند . برخی از خرده مالکان این چاه عم غیر عامل هستند . هرکدام از خرده مالکان که بخواهند از آب خود استفاده کنند باید برای مخارج سوخت و استهلاك ساعتی ۸ تومان پول به بانک صادرات در حساب جاری مخصوص واریز کند . برای خرج این پول سه نفر حق امضاء دارند . آب این چاه نیز خرید و فروش می شود . قیمت خرید و فروش هر ساعت آب چاه به طور دایم ۱۵۰۰ تومان است .

چاه دیگر که هنوز دایر نشده و در شرف دایر شدن است ۵ نفر در آن شریکند . از این ۵ نفر یک نفرشان دو سهم دارد و بقیه سهم هایشان مساوی است . بدین ترتیب می توان گفت که این چاه تقریباً بطور مساوی بین خرده مالکان تقسیم شده .

این روستا هم باغ دارد و هم کشتزار . باغ های این ده از ۱۵ قصب دارد تا ۲۰۰ قصب . زمین های ده نیز از ۳۰ قصبی دارد تا ۸۰۰ قصبی . البته مالك ۸۰۰ قصبی یعنی ۲ هکتاری فقط یک نفر وجود دارد ، مالك يك هکتاری چهار پنج نفر و بقیه دارای زمین های اندک هستند . چیزی که هست اینست که مالکیت زمین نسبت به آب زیاد اهمیت ندارد .

دهقانان کولاک در این ده تقریباً وجود ندارد ، بطوریکه فقط يك خرده مالك خودکار و دو هکتاری در ده وجود دارد و بقیه خرده مالکان زمینشان

از يك هكتار کمتر است .

اجاره داری زمین در ده خیلی رایج است . خرده مالکان غیر عاملی که زمین و آب خود را اجاره می دهند بیشتر ساکن شهر هستند (کرمان) . در بین این خرده مالکان هستند کسانی که ۵ هکتار زمین با ۸۰ تخته آب هم دارند و آن را اجاره می دهند (به گفته یک پیر مرد) . طبق یک نمونه مقدار اجاره در این روستا برای یک هکتار زمین و آب مورد لزوم عبارتست از :

• ۴ تومان برای اجاره یک هکتار زمین برای مدت یکسال

۱۲۰۰ تومان برای اجاره آب مورد لزوم یک هکتار زمین برای مدت یکسال

جمع ۱۶۰۰ تومان

طبق یک نمونه دیگر اجاره یک هکتار زمین و آب مورد لزوم آن روی هم

۲۸۰۰ تومان است .

بنا به گفته یکی از اهالی ۱۲ شبانه روز از ۱۸ شبانه روز آب قناتهای

ده متعلق به کرمانی ها است که آن را اجاره می دهند و ۶ شبانه روز آن متعلق

به خود اهالی ده است که بعضی هایشان هم زمین و هم آب خود را اجاره

می دهند .

- ۱- رابین
- ۲- ده میرزا
- ۳- مظفرآباد
- ۴- ده ملك
- ۵- گزك (مركز دهستان)
- ۶- قصر میان
- ۷- پا بنه
- ۸- خانه خاتون
- ۹- عباس آباد
- ۱۰- هاشم آباد
- ۱۱- حكمت آباد
- ۱۲- دشت بزنجان
- ۱۳- د قچه
- ۱۴- دك فن
- ۱۵- ابارق
- ۱۶- د ارزین

روستای شماره یک بسم

رایسن

جمعیت در حدود ۶۵۰ خانوار. ۱

بخشی است که بیشتر شکل شهر دارد. راین دارای خیابان بندی و میدان و مغازه های کنار خیابان است. یک دبستان دخترانه، یک دبستان پسرانه، یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه دارد. دبیرستان های آن تا کلاس سوم بیشتر ندارند. یک کلاس راهنمایی مختلط هم در دبیرستان پسرانه وجود دارد. علاوه بر این، دو حمام و یک درمانگاه شیرخوشیید، ژاندارمری و در حدود ۱۰۰ مغازه هم دارد؛ از جمله، مغازه هایی مانند نجاری، قصابی، نانوائی، عکاسی، کفاشی، چراغ سازی و جوشکاری که مشخص شهر است نیز در این شهرک یافت می شود. راین دارای پارک کودک، بخشدار، اداره کشاورزی، بانک ملی، بانک صادرات نیز هست. تاسیسات اداری مانند شرکت تعاونی، خانه فرهنگ روستایی و خانه انصاف نیز در این شهرک وجود دارد.

رایسن اگر چه نقش شهر را برای روستاهای اطراف خود بازی می کند

۱. لازم به تذکر است که روستاهای مطالعه شده از شهرستان بهم، همه در منطقه شمال غربی بهم، یعنی در منطقه بین بم و کرمان قرار دارند. بنابراین جزو روستاهای گرمسیری بهم نیستند.

ولی خود تولید اساسیش کشاورزی است . محصول عمده آن میوه است و اراضی
 - اش بیشتر در زیر باغ های سیاه درخت (سیب ، گوجه ، زردآلو) است .
 کشتزارهای آن بسیار کم است و در مقایسه با باغ بسیار ناچیز است .

ب

منابع آب رایسن از این قرار است :

۱ رشته قنات (آب کوه) که ۳ دانگ آن مال چند نفر مالک خارج
 از ده است و بقیه آن خرده مالک می باشد .

۲ رشته قنات (چاه قنات) که ۳ دانگ آن مال چند نفر مالک خارج
 از ده و بقیه متعلق به خرده مالک است .

۳ رشته قنات جدا از هم که فقط دو دانگ یکی از آنها متعلق به ارجمند
 و بقیه متعلق به خرده مالک است .

مالکان عمده ده عبارتند از احمد ارجمند ، ورثه کیانیان ، ورثه
 سروشیان ، محمد خان و امان اله خان عامری است . بیشتر خرده مالکان ده
 غیر عامل هستند که اداره باغ و احياناً زمین خود را به باغبان و رعیت واگذار
 می کنند . بسیاری از خرده مالکان روستاهای اطراف نیز در این سکونت دارند .

روابط مزرعی

سهم بری از محصول شگل اساسی روابط تولیدی این شهرک است .
 باغبانان $\frac{1}{4}$ محصول را به عنوان حق باغبانی دریافت می کنند . اجاره داری
 هم یکی از اشکال روابط تولیدی است . اجاره داران بر اساس اجاره نامه
 باغ را از مالک اجاره می کنند . کارگری با حقوق ماهانه نیز رایج است . حقوق
 باغبانان کارگر به طور متوسط ماهی ۱۵ تومان است . اصلاحات ارضی در اینجا

اصلا انجام نگرفته، یکی به دلیل باغ بودن و دیگری وجود خصوصیات شهری.

قالسی باقسی

تعداد خانوارهای خوش‌نشین در این شهرک بسیار زیاد است.

بسیاری از این‌ها برای کار به کرمان و به ندرت به تهران، رشت و قزوین می‌روند، عده‌ای هم در خود اینجا به فعلگی و کار در باغ‌ها می‌پردازند و عده‌ی کمی نیز به کار قاللی باقی مشغولند. صنعت قاللیایی در حدود ۷ سال است وارد راین شده و هنوز نقض مهمی در اقتصاد آن ندارد. این شهرک نزدیک گوک است و مردم آن قاللیایی را از گوکیها یاد گرفته‌اند.

در اینجا هم مانند گوک و بسیاری از دهات استان کرمان قاللیایی اربابی است و ارباب قالسی هم بهره‌مند نام دارد. مزد کار برای هر "گنز" از قاللی سنگین ۱۴۰ یا ۱۵۰ تومان و برای قاللی‌های ساده‌تر ۱۰۰ تومان است.

خوش‌نشین‌های اینجا از بیکاری و بدبختی به قاللیایی رو آورده‌اند و روز بروز تعداد خانوارهای قاللیایف زیادتر می‌شود. قاللیایف‌ها حتی از بجه‌های ۵-۶ ساله خود هم کار می‌کنند و آنها را یا روی قاللی‌های خانسه خود به کار وامیدارند یا به مزدوری می‌فرستند. مزد کار شاگرد‌ها و اوستاکارها درست مثل دهات اطراف ماهان و گوک است.

برخی از زنان اینجا پشم‌ریسی می‌کنند و برای رشتن هر من پشم ۵ ریال می‌گیرند. رشتن یک من پشم تقریباً یک هفته طول می‌کشد.

روستای شماره دو بم
ده میرزا (از دهستان رایسن)

این ده که در نزدیکی راین قرار دارد دارای ۶۸ خانوار جمعیت است . ساختمان ده بسیار قدیمی و به شکل قلعه است . تمام خانوارهای ده درون قلعه زندگی می کنند . سمت چپ در ورودی قلعه ساختمان ارباب قرار دارد که ارباب سالیانه چند روز در آن سکونت می کند .

معماری ده دارای چهره بسیار ویژه ای است و خانه ها بسیار محقر و کیفیت است . در میان دو حیاطی که تقریباً برای تمام اهالی ده مشترک است کودکان در میان خاک و کفایت می لوند و حیوانات هم در کنار آنها راه می روند و مدفوع می کنند . خانه ها یک اتاق کوچک و تاریک است به اضافه حیاطی تقریباً به اندازه همان اتاق با دری که از قامت انسان خیلی کوتاهتر است و بیشتر به در طویله شبیه است .

مالك ده انگه این ده امان اله خان عامری است که قبل از اصلاحات ارضی روابط تولیدی سهم بری را از بین برده و مزد را جانشین آن کرده . امان اله خان به هر کارگر مرد ماهانه ۳۰ من گندم و ۳۰ تومان پول به عنوان مزد می دهد . امان اله خان دارد زمین های زراعتی خود را به باغ پسته تبدیل می کند . هم از این نظر که درآمد آن بیشتر است و هم از این نظر که بیشتر از تعرفه تقسیم نژ امان باشد . البته ابقول خودش کشاورزی را موتوریزه کرده ولی تعریف موتوریزه از زبان چند تن از زنان ده چنین است : "موتوریزه

یعنی اینکه دیگر انسیا (سهم بری) نیست و روزی يك من گندم می دهند و يك تومان پول . البته حقوق ماعیانہ ۳۰ من گندم و ۳۰ تومان پول برای کارگران دایمی است و کارگران روزمزد موقتی که در باغ پسته یا جای دیگر کار می کنند روزانه ۵۰ ریال مزد می گیرند . کارگران باغ های پسته می گفتند ، حتی ماشین را هم می گذارند سرد شود ، در حالیکه ما باید صبح تا غروب بدون انقطاع بیل بزنیم و اگر در بین کار درنگی کنیم نماینده مباشر (به قول خودش غلام خانم زاد ارباب) با خشونت ما را به کار وامی دارد . مردم ده می گفتند که هر کس بخواهد در زمین ها و باغ های ارباب کار نکند او را از ده بیرون می کنند و خانه اش را از او می گیرند . بهمین دلیل دهقانان جرات نمی کنند که برای کار حتی به راین هم که در چند کیلومتری آنجاست بروند . با این حال عده ای هم خانه ها را تخلیه کرده و برای کار به جاهای دیگر رفته اند .

زنان ده هم برای تاجران قالی پشم می ریسند و برای رشتن هر من پشم ۵۵ ریال می گیرند . باید به یاد داشت که هر من تاجران ۱ من و چارک و حتی بیشتر هم هست و زن ها حق اعتراضی ندارند زیرا می ترسند که دیگر بر سر آنها ریسند هندی (این مطلب را مردم روستای مجاور می گفتند و معتقد بودند در همه جا چنین است . در این روستا نیز احتمالا چنین است) . رشتن هر من پشم دست کم ۷ روز طول می کشد .

در این روستا يك مدرسه سپاهی دانش وجود دارد .

بهترین غذای اهالی که در هفته دو یا سه بار (احتمالا) می خورند آبگرمو است . آبگرمو عبارتست از آب و ریغن نباتی و پیاز و احتمالا سیب زمینی . در واقع آبگرمو همان آبگوش است که گوشت و نخود و ازلیست مواد آن حذف کرده .

روستای شماره سه ———
مظفرآباد (از دهستان گزک)

(دیدار ناقص)

این ده نیز در چند کیلومتری رایسن قرار دارد . این روستا موقوفه
است و ۲۰ خانوار جمعیت دارد . از این بیست خانوار ۱۲ خانوار آن کشاورز
اجاره دار و بقیه خوش نشین هستند . دوازده نفر کشاورز زمین های ده قنات
آن را از اداره اوقاف سالی ۸۰۰۰ تومان اجاره می کنند .
درآمد تقریبی هر خانوار :

گندم در حدود	۹۰۰۰ ریال
جو و سیب زمینی در حدود	۹۰۰۰ ریال
	<hr/>
	۱۸۰۰۰ ریال

که از این مبلغ باید اجاره زمین را هم بپردازند .

روستای شماره چهارم
ده ملك (از دهستان گزك)

(دیدار ناقص)

این ده نیز در چند کیلومتری رایسن قرار دارد و دارای ۴۲ خانوار جمعیت است. $\frac{۲}{۳}$ ده در مالکیت چند نفر است (۳ تا ۴) که زارعین روی آن کار می کنند و $\frac{۱}{۳}$ محصول را می برند و $\frac{۱}{۳}$ اراضی ده نیز در مرحله دوم اصلاحات ارضی بین زارعین تقسیم شده . تعداد ۹ نفر نیز در ده خوش نشین هستند که ۳ نفر آنها دامدار ، یک نفر دکاندار ، ده نفر دیگر در این ده و آن ده کارگری می کنند و به بیچارگی سر می کنند ، چون بیشتر سال را بیکارند .

زارعین بابت زمینی که در مرحله دوم اصلاحات ارضی به آنها رسید بابت هر قسط بین ۱۰ تا ۱۳ تومان باید بپردازند که هنوز این مبلغ را نپرداخته اند ، چون تا کنون بیش از چند ماهی نیست که اصلاحات ارضی در این ده صورت گرفته .

روستای شماره پنج بم
گوزک (دهستان)

(دیدار ناقص)

این ده دارای ۱۰۰ خانوار جمعیت است . از این عده ۴۸ خانوار
زعیم است و ۵۲ خانوار خوش نشین .

در حدود ۵ خانوار کارشان قالی بافی (فقط) است . در حدود
۶۰ تا ۷۰ نفر مرد و زن و کودک نیز به عنوان شاگرد روی قالی کار می کنند .
قالی بافان ریس را نسیم می خرنند و پس از فروش قالی بهای آنرا می پردازند .
در حدود ۱۰ خانوار هم کارگرند که بعضی از آنها برای کار به جیرفت
و کرمان می روند . مزد کارگر در اینجا روزی ۸ ریال است . کارگران بیشتر
از نصف سال از جمله سر تا سر زمستان را بیکارند .

۳/۵ دانگ از ده مال مالکینی است که ساکن کرمان هستند . این
مالکان زمین را به رعیت (زعیم) واگذار می کنند و محصول را از او می گیرند
رعایای بی که این زمین ها را می کارند خود نیز خرده مالکند که در روی زمین
خودشان هم کار می کنند .

در مرحله اول اصلاحات ارضی نیم دانگ از ده بین عده ای زارعین
تقسیم شد و ۳/۵ دانگ برای خود ارباب ها ماند (به نسبت ۱ و ۲) .

مزد قالی بافان نیز بدین ترتیب است :

مزد قالی باف مرد ۶۰ - ۴۰ ریال

مزد قالی باف زن ۴۰ - ۱۵ ریال

مزد قالی باف بچه ۱۵ - ۵ ریال

هر قالی باف معمولاً سالانه ۳ الی ۴ ماه بیکاری دارد .

روستای شماره ششم

قصر میان

(دیدار ناقص)

در این ده ۱۲ خانوار کشاورز و ۳ خانوار خوش‌نشین وجود دارد. از این سه خانوار دو خانوار چوپان و یک خانوار کارگر است.

در مرحله اول اصلاحات ارضی ۱/۵ دانگ از این ده به ۱۲ نفر و گذار شده که هر نفر سالی ۲۰۰ تومان قسط بپردازند. اکنون ۷ سال از این ماجرا گذشته و بعضی قسط‌ها عقب افتاده و (برخی ۵ قسط و برخی ۳ و ۴ قسط آنها عقب افتاده).

در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۳ دانگ از ده که مال یکی از فتووال‌های کرمان و وقف خاص بود به اجاره به زارعین واگذار شد. این سه دانگ ۴۰۹۰ تومان اجاره سالانه‌اش بود که بالتساوی بین ۱۲ نفر اجاره‌نشین سرشکن می‌شده.

نیم دانگ از ده را نیز قرار است به زارعین بقروشند و به اقساط پولش را بگیرند. قبلا هم ۶۰۰ تومان به عنوان حق قبالة و غیره (نقروی ۵ تومان) از کشاورزان گرفته‌اند ولی فعلا خبری از سند و قبالة نیست. ۱ دانگ دیگر بلا تکلیف است که مال زردشتیها است و فعلا هم

محصول چندانی ندارد که بین زارعین تقسیم می شود .

- کشاورزان این ده از شرکت تعاونی روستای مجاور پول قرض میکنند .
 گاهی جنس هم (نفت و برنج و قند و سیگار و کفش) از همین شرکت می خرند .
 شرکت تعاونی جنس را از بازار ارزاتر می فروشد . شرکت تعاونی جنس را نقد
 می فروشد . حتی کود و بذر هم (که گاهی دارد) نقد می فروشد .
 بهره پول ، صد تومانی ۷ تومان نیز کم می کنند ؛ (در شرکت تعاونی)
 دو تومان برای ساختمان شرکت و ۵ تومان راهم باید سهام تازه بخرند .
 به دارنده هر ۱۰۰ تومان سهم (۲۰ سهم) ۵۰۰ تومان وام میدهند .

روستای شماره هفت بسم

پاینه از دهستان تهرود

(دیدار ناقص)

جمعیت ۱۱ خانوار

دهی است در نزدیکی قصر میان

۳ دانگ از ده مال ارجمند است (باغ)

۱ دانگ مال یکفر قنودال دیگر (باغ)

۱ دانگ رافروخته اند به دونفر (باغ و زمین)

۱ دانگ مال دونفر زردشتی است (باغ)

این ده بیشتر از ۵ دانگ باغ و کهنر از ۱ دانگ زمین دارد . ۳ تا

جوب باغ هسته است و بقیه سیاه درخت (انار ، انگور و گوجه) . ۳ دانگ

باغ را اجاره کرده اند سالی ۲۰۰۰ تومان (مال ارجمند که وقف مریخانسه

است)

۳ دانگ ارجمند را اجاره داده اند به ۴۰۰۰ تومان

۱ دانگ قنودال دیگر ، باغبان دارد . به باغبان ماهی ۳۰ من گندم

و ۴ تومان پول می دهند .

۱ دانگ دو نفر زرد شتی هم بانگیان دارد که هر بانگیان ماهی ۳۰

من گندم و ۴۵ تومان پول می گیرد .

در این ده ۳ خانوار خوش نشین وجود دارد (۱ نفر بیوه زن + ۱ نفر

هم زعمیم که در ده دیگر است + یک نفر کارگر) .

در این ده و ده شماره (۶) بیم و سایر دهات مشابه اطراف هر کس

پول نداشته باشد اجاره بها یا بدهیش را بپردازد باید بچه اش را به کتترات

بدهد . یعنی بچه اش را برای کار و نوکری برای مدت معینی بدهد تا قسمت

مشخصی از بدهیش پاک شود . مثلا بچه ۱۲ ساله را سالی ۳۰۰ - ۲۰۰ تومان

کتترات می کنند و خرجش را هم می دهند . کار این بچه ها معمولا یا نوکری

۱. عالی بافی است .

روستای شماره هشت بسم

خانه خاتسون از دهستان نهرود

جمعیت ده ۸۱ خانوار است :

۴ خانوار زعیم (اجاره دار) .

۴۱ خانوار خوش تشیمن .

این روستا یک رشته قلات دارد و یک چشمه آب . آب قلات تماما متعلق به ارجمند (قیودال معروف کرمان) است که باغ های پسته او را مشروب میکند . آب چشمه نیز در روز و ده ساعت متعلق به گبرهاست که باغ های میوه آنها را آبیاری می کند .

۳ روز و ۱۴ ساعت دیگر آب چشمه متعلق به ارجمند است که بالتساوی به ۴ قسمت تقسیم کرده و هر قسمت را به یکی از زعیم ها اجاره داده است . به هر زعیم تقریباً ۲ ساعت آب رسیده که در مقابل سالیانه ۸۵۴ ریال اجاره آنها می پردازند . هر زعیم این آب (۲ ساعت) کلاً در حدود ۳۵ تن تخم کارگندم می تواند بکارد . روشن است که این تولید نمی تواند اجاره سنگین آب را تامین کند و ناچار زعیم ها برای تامین اجاره بها ، گاو کار و اثاث خسود را می فروشند و یا برای تامین کسری اجاره به کارگری به شهر می روند . به گفته

زارعین ، هنگام تعیین و تخمین اجاره ، تمام آب های ده (۶ دانگ چشمه و ۶ دانگ قنات) را به حساب آورده اند ولی در عمل فقط نصف آب چشمه را بین ۴۰ نفر زارع تقسیم کرده اند .

مدت اجاره پنج سال و قسطنطین سالانه آن ۸۵۴ ریال است که طبق سند رسمی کشاورزان را متعهد به پرداخت آن کرده اند . روشن است که سند رسمی کشاورزان را متعهد به پرداخت پنج سال اجاره کرده است که به هیچ وجه گریزی از آن ندارد .

برخی از خوش نشین های ده تابستان ها برای کار به شهر می روند و زمستانها در روستای خود بیکارند . بیشتر خوش نشینان به کار باغسرداری مشغولند که ماهیانه ۳۰ من گندم باضافه ۳۰ تومان پول اجرت می گیرند . وضع ساختمان خانه های ده بسیار بد است به طوریکه در اولین دیدار مخروبه به نظر می رسد . کلبه های گلی بدون نور که یک بخاری دیواری چوبی سوز آنرا گرم می کند و نور آن از در کوچکی وارد می شود که در بیشتر خانه ها این در از قامت انسان کوتاهتر است . حیاط خانه نیز وضع بسیار بدی دارد و در حیاط نیز در اغلب خانه ها باندازه نصف قامت انسان است . دیوارها کوتاه و فقط تعیین کننده مرزخانه است در ده اصلا ستراح وجود ندارد و مردم بیشتر از طویله بستوان ستراح استفاده می کنند ، تا از آن برای کوب استفاده کنند . در ده حمام و مدرسه هم وجود ندارد .

روستای شماره نسه بیستم

عباس آباد از دهستان رایمن

(دیدار ناقص)

این روستا ۱۴ خانوار جمعیت دارد . مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی در ده انجام شده به این ترتیب که در مرحله اول ۱ دانگ آب ده به ۱۲ نفر داده شده (۱ دانگ از آب ده تقسیم شده) در مرحله دوم ۲ دانگ و دو ساعت کم از آب ده تقسیم شده است . ۱

$\frac{1}{4}$ آب ده ($\frac{1}{5}$ دانگ) متعلق به سه مالک است که ۱۳۰۰ قصب باغ های آنها را آبیاری می کند . اجاره هر ۵۰۰ قصب از باغ های فوق سالیانه ۱۰۰۰ تومان است .

$\frac{1}{4}$ آب ده ($\frac{1}{5}$ دانگ) هم متعلق به دو خانوار است که از قدیم خرده مالک بوده اند .

همانطور که گفته شد $\frac{1}{4}$ و دو ساعت کم از آب ده (۳ دانگ و دو ساعت کم) که تقریباً ۴۸ حبه می شود (۷۲ ساعت) بین ۱۲ نفر تقسیم شده (در هر دو مرحله اول و دوم) که بهر کدام ۴ حبه رسیده است (هر حبه

۱۰ گردش آب روستا روز است ، یعنی هر دانگ ۲۴ ساعت آب و هر حبه $\frac{1}{5}$ ساعت آب است .

۱/۵ ساعت آب است) . قسط اصلاحات ارضی برای هرحبیه در مرحله «اول» سالانه ۳۵ تومان است که ۷ قسط آنرا پرداخته‌اند .

قسط مرحله دوم برای هر نفر سالی ۱۵۰ تومان است که یک قسط آن پرداخت شده و باید یا ۱۲ ساله یا ۱۵ ساله (پاسخگو درست نمیدانست) پرداخت شود .

راجع به مرحله سوم پاسخگو اطلاع درستی نداشت .
یک خانوار خوش‌نشین در این ده وجود دارد که چوپان است .

روستای شماره ۴ ده بسم
هاشم آباد از دهستان رایسن

(دیدار ناقص)

۶ یا ۷ خانوار جمعیت دارد . اما اصلاحات ارضی انجام گرفته و ۴ نفر
زحمیم صاحب زمین شده اند . دو نفر از زحمیم ها در ده مانده اند و ۲ خانوار از
بی چیزیه ده مجاور رفته اند .

باغها مال . . . است که باغبان گرفته و به آنها ماعی ۳۰ من گندم
و ۴ تومان پول میدهد .

این مالک زمین زراعتی هم دارد .

زنها چرخو می ریسند (شرح کار و درآمد چرخو ریزی قبلا در جامعای
دیگر آمده) .

روستای شماره ۲ یازده بم
حکمت آباد از دهستان رایسن

(دیدار ناقص)

در حدود ۱۹ خانوار جمعیت دارد . معماری ده شبیه ده شماره ۲ از شهرستان بم (ده میرزا) است و خانه های ده درون قلعه است . ده اربابی است و یکی از بوروکرات های بزرگ کرمان مالک آن است . این جناب هم ده را مونتوریزه (۳۰ تن گندم ، ۳۰ تومان پول در ماه) کرده است و چند قطعه از ماشینهای کشاورزی و یک دیسک را برای نمایش در سر راه اصلی ده چیده که یعنی کشاورزی در این ده مکانیزه است . روابط تولیدی در ده درست شبیه ده شماره ۲ از شهرستان بم است و ارباب در حال توسعه دادن باغهای پسته اش است .

یک دهستان سپاهی دارد و یک سپاه دانش . سپاه دانش جوانسکی است اهل شهر بابک که در مدت اقامتش در ده بقول خودش مرتب سر سفره مردم ده است و از آنها توقعی بیشتر از غذای معمولی خودشان ندارد . او هم چنین نسبت به ارباب ده اظهار ارادت می کند و اعتقاد دارد که بسیار آدم با انصاف و خوبی است و ضمناً می گویند که چون با مردم خیلی نزدیک شده و از آنها انتظار زیادی ندارد مردم و آقای ارباب تقاضا دارند که او در ایسن ده ماندگسار شود .

روستای شماره دوازده بم

دشت بزنجان از دهستان تهرود

(دیدار ناقص)

دهی است با ۱۰ خانوار جمعیت . ۱۸ حبه از آب ده متعلق بسببه
 يك مالك است كه می شود ۱ دانگ و دو حبه . روی زمین این مالك دو زعیم
 کار می کند كه سه يك سهم میبرند .
 ۲۷ حبه از آب ده متعلق به يك فتودال معروف است كه دست
 کارگر کشاورزی است با مزد ۳۰ من گندم و ۴۰ تومان پول در ماه .
 ۱ دانگ از ده نیز متعلق به خرده مالکان است . خرده مالکان ساکن
 ده نیستند .

۱۶ حبه و $\frac{1}{3}$ حبه واگذار شده است به ۳ نفر کشاورز صاحب نسق .
 ۱ دانگ و ۲ حبه و $\frac{2}{3}$ حبه نیز متعلق به خرده مالکین است .
 ۴ خانوار ده خوش نشین هستند .

روستای شماره سیزده بسم

دقچه از دهستان تهرود

(دیدار ناقص)

این روستا ۲۰ خانوار جمعیت دارد. آب ده از آب يك چشمه است که $\frac{1}{8}$ آن ده را آبیاری می کند و بقیه به روستاهای دیگر می رود. مرحله دوم اصلاحات ارضی انجام شده و زعیم های ۴ دانگ از زمین های ده حق ریشه را به اربابان فروخته اند. ۳ دانگ دیگر را نیز به نسبت بهره مالکانه تقسیم کرده اند. $\frac{1}{3}$ را به زعیم ها داده اند و $\frac{2}{3}$ مال اربابهاست، یعنی ۲۴ حبه متعلق به ارباب ها و تقریباً ۱۰ - ۱۲ حبه متعلق به دهقانان است. یعنی در حال حاضر دهقانان فقط ۱۰ - ۱۲ حبه سهم از آب ده را دارند. این ده ۳۰۰۰ قصب باغ پیسته دارد. باغبان ها قراری هستند از قرار ماهیانه ۳۰ من گندم و ۳۰ تومان پول. در زمینهای زراعی سهم بوی برقرار است.

اجاره عم هست اما کم.

بعضی از خوش نشینها هم برای کار به کرمان می روند.

مدرسه داشته است اما تعطیل شده و حالا بچه مدرسه ایها ول شده اند.

روستای شماره چهارده بسم
دک فن از دهستان تهرود

(دیدار ناقص)

دهی است جلگه‌ای با زمین بسیار حاصلخیز . زمین کشاورزی این ده بسیار زیاد و حاصلخیز است . آب ده از چشمه‌های دره فرسنگی است . این چشمه ۱۰۰۸ سهم است که چند سالی است دیگر آیش به این ده و بسیاری از دهات اطراف نمی‌رسد ، در نتیجه این دهات خشک شده‌اند . ارباب‌های این ده گبرها بوده‌اند ولی حالا زمین‌ها بدست زعیم‌هاست . زمین‌هایی که بدلت بی‌آبی غیر قابل کشت شده است . به این ترتیب دهقانان این ده آواره و سرگردان شده‌اند و ده را خالی کرده و به کرمان و دهات اطراف روی آورده‌اند . قبلاً ۲۰ خانوار در ده زندگی میکردند ولی اکنون فقط ۳ خانوار در ده زندگی می‌کنند . از تمام اهل ده یک بیوه زن و چهار بچه‌اش ، یک پیرمرد و زنش و نوه پیرمرد با شوهر و بچه‌هایش در ده مانده‌اند .

این پیرمرد برای کشت گندم به ۴ فرسنگی ده می‌رود و شب به خانه برمی‌گردد . بعد از درو نیز محصول ناچیز خود را به پشت می‌کند و چهار فرسنگ راه را برای حمل محصول سه چهار بار طی می‌کند .

روستای شماره پانزده بم

ایارق

این ده ۱۵۰ خانوار جمعیت دارد و در ۶ کیلومتری بم قرار دارد .
 آب ده تشکیل شده از دو رشته قنات و یک چشمه . یکی از قنات ها که آب
 آن غراوان و دو برابر آب چشمه است متعلق است به یک فتودال که باغهای پسته
 او را آبیاری می کند . قنات دیگر که آب آن شور است و از آب چشمه کمتر است
 باغهای پسته فتودال دیگر را مشروب می سازد . گردش آب چشمه ۱۲ روز است .
 تقسیم آب قبل از اصلاحات ارضی به قرار زیر بوده است .

۳ شبانه روز	یک فتودال
۳ شبانه روز	فتودال دیگر
۵ شبانه روز	گهرها
۱ شبانه روز	خرده مالک

بعد از اصلاحات ارضی (مرحله دوم) یکی از فتودالها که ۱۰ زعمیم
 داشته به هر زعمیم ۱ ساعت آب از چشمه داده که سالیانه هر نفر ۵ تومان
 قسط میدهند . پنج ساعت از آب را هم به ده دیگر داده به ۵ نفر که آنها هم
 هر نفر سالی ۵ تومان قسط میدهند .

بقیه که ۵۷ ساعت آب است باغهای پسته ارباب را آبیاری می کند . همچنین

فتودال دیگر. ۱ ساعت از سه شبانه روز چشمه را بین ۲ زعمیم تقسیم کرده و بقیه که ۶۲ ساعت است باغهای پسته‌اش را آبیاری می‌کند.

این دو فتودال که زمینهای زراعتی شان در مرحله دوم به نسبت ۱ و ۲ تقسیم شده $\frac{1}{3}$ سهم خود را زراعت نمی‌کنند و آبش را بیابغ پسته میبرند. ۲ شبانه روز ورثه زردشتی هسا = ۸ ساعت باغات خودشان + بقیه کسه اصلاحات ارضی شده و بین ۱۰ نفر تقسیم گشته است.

۲. ساعت متعلق به ۶ نفر است که سالیانه ۸۰۰ تومان قسط میدهند و ۲. ساعت هم متعلق به ۴ نفر است که سالی ۵۰۰ تومان قسط میدهند. (بیست ساعت اول را خودشان فروخته‌اند و بیست ساعت دوم را اصلاحات ارضی فروخته)

۳ شبانه روز دو نفر زردشتی = ۱۸ ساعت باغات مالکین + ۸ ساعت فتودال اولی + ۴ ساعت فتودال دیگر + ۳ ساعت متعلق به بی‌ها (۸ ساعت فتودال اولی و ۴ ساعت فتودال دیگر و ۳ ساعت بی‌ها دست زعمیم است. توزیع محصول به طریق انبساط است) . + ۳۹ ساعت که اصلاحات ارضی نشده و بدست ۱۶ زارع است ؛ ۶ تا از زارعین سالی ۴۰۰ تومان و ۱۰ تا سالی ۶۰۰ تومان قسط می‌دهند .

آب چشمه نسبت به آب قناتها بسیار ناچیز است و کشاورزان صاحب زمین شده بهیچوجه نمی‌توانند گذرانی از طریق کشاورزی داشته باشند و بیشتر برای کاریه اطراف، بخصوص کرمان می‌روند یا روی باغهای پسته کار می‌کنند. یکی از فتودال ها . ۴ کارگر دائمی دارد که روی باغهای پسته کار می‌کنند و ماهی ۳۰ من گندم و ۵۰ تومان پول می‌گیرند. البته در فصل کار تعداد کارگر

هایش به ۸۰۶۷۰ نفر ممکن است برسد .

فتودال دیگره کارگر داعی دارد که به ترتیب بالا به آنها مزد میدهند
 گیرها بلغهایشان را به اجاره داده اند (بلغهایشان سیاه درخت است) .
 این ده يك مدرسه ه کلاسه دارد که ه شاگرد دارد (مدرسه ه
 یادبود) .
 پسریکی از فتودال ها داماد فتودال دیگر است . هردوی آنها
 از فتودال های معروف کرمان هستند .

روستای شماره شازده بسم

داریسن

جمعیت ۱۲۰ خانوار.

دهی است در ۳۰ کیلومتری بسم. این ده ۷ رشته قنات دارد که همه یکی می شوند و آب ده را تشکیل می دهند. تمام آب ده نصف می شود. نصفی از آب ده به باغ های ارباب می رود. نصف دیگر از آب مال زمین هاست که ۶ دانگ به حساب می آید و مالکیت آن بدین ترتیب است:

۵ دانگ و $\frac{۱}{۳}$ حبه مال یکی از فتودال های معروف کرمان

$\frac{۱}{۳}$ حبه بین ۱۵ نفر زعیم به طور غیر مساوی تقسیم شده. شش نفر

از زعیم های صاحب زمین شده هر نفر ۱ ساعت و $\frac{۱۴}{۵}$ دقیقه آب دارد. ۹

نفر دیگر از آن ها هر نفر ۳۷ دقیقه آب دارد (در هر ۶ شبانه روز) بقیه

اهالی ده بی زمین هستند. گذشته از آب های فوق، روستا چاه عمیق و نیمه

عمیق نیز دارد. ارباب در سر راه قنات ها چاه عمیق و تلمبه زده و آب قنات

ها را کم کرده. این تلمبه دو موتور دارد که به تناوب کار می کنند و هرگز تلمبه

از کار نمی افتد. در کنار این چاه عمیق یک چاه نیمه عمیق هم زده و تلمبه ای

هم روی آن کار می کند.

مرحله دوم اصلاحات ارضی در این ده انجام گرفته. از اول قرار بود

دو دانگ از ده را (بر اساس تقسیم زمین به نسبت سهم رعیت و بهره مالکانه) تقسیم کنند. بعد در محضر سند تنظیم کردند و از ۱۵ نفر دیگر امضای نادانسته گرفتند و چنین وانمود کردند که آنها چند سال پیش نسق خودشان را فروخته‌اند و در نتیجه آن ۱۵ نفر سرشان بی کلاه شد. هر چه به تهران شکایت کردند آنها را به اصلاحات ارضی بم حواله دادند و اصلاحات ارضی بم هم به آنها گفت که نسقشان را فروخته‌اند و هیچ حقی ندارند.

یک دانگ از ده را نیز که بنا به حرف خودشان می‌بایست به ۱۵ نفر خرده مالک فعلی بدهند باز معلوم نشد چه کلکی زدند که ۱۱ ساعت آبش (یعنی $\frac{1}{3}$ حبه ده) را باز مالک صاحب شد.

۱۵ نفر زارعی که $\frac{2}{3}$ حبه از نصف آب قنات‌ها به آن‌ها رسیده ۶ سالیانه هر نفر در حدود ۴۱۰ ریال قسط می‌پردازند. تا کنون ۷ قسط پرداخته‌اند و ۵ قسط دیگر نیز باید بپردازند.

باغهای ارباب

باغ‌های ارباب را به زارعین اجاره داده‌اند. البته نام اجاره روی آن نیست بلکه به نام امانت است که تا مفری برای گریز از قانون باقی باشد. اجاره نشین‌های باغ‌ها ۱۸ نفر هستند که هر نفر ۲۵۰۰ تومان سالیانه اجاره میدهند. علاوه بر این برای هر اجاره دار بین ۶ - ۱۵ نفر کارگر کار می‌کنند که هر نفر روزانه ۵ تومان مزد می‌گیرد.

زمین‌های ارباب

زمین‌های ارباب را به ۱۶ نفر اجاره داده‌اند و اجاره‌دارها می‌بایست سالیانه نفری ۳۶۰۰ کیلوگرم گندم و جو (۲۷۰۰ کیلوگرم گندم و ۱۲۰۰ کیلو-

روستایی از بافت باغ نالی (باغ شاه علی)

جمعیت ۵۶ خانوار .

این روستا با چهار روستای دیگر مجموعاً یک دهستان را تشکیل می دهد .
این چند ده تقریباً به هم پیوسته اند و از نظر اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
به یکدیگر وابسته هستند .

زمینداری

اصلاحات ارضی در این ده تغییری ایجاد نکرده و فتودالیزم به همان
شکل قبل از اصلاحات ارضی در آن وجود دارد . مالکان ده که تقریباً
خرده مالک به حساب می آیند در خود ده سکونت دارند و یکی از آنها کدخدای
و همه کاره شرکت تعاونی و انجمن ده و غیره است . مالکان ده فقط در این
ده زمین دارند . علت تقسیم نشدن زمین های ده در جریان اصلاحات ارضی،
ظاهراً باغ بودن آن است . یکی از پیرزن های این روستا می گفت مامسوران
اصلاحات ارضی به خانه حاجی ناصری می آیند ، شام می خورند و می روند .

تقسیم محصول

مالکان این ده هم دارای باغ و هم دارای زمین هستند . آنها باغ های

خود را به باغبان واگذار می‌کنند، و باغبان نیز محصولات باغ را می‌فروشد و $\frac{2}{3}$ پول آنرا به ارباب می‌دهند (طبق گفته یکی از اهالی). روی زمین‌ها نیز رعیت کار می‌کند. رعیت‌ها نیز $\frac{1}{3}$ محصول را به ارباب می‌دهند. تقسیم محصول که خود جزئی از روابط فئودالی است سبب جلوگیری از تکامل ابزار تولید شده است. بیکاری پنهان و آشکار در ده رواج بسیار دارد و عمین امر یعنی بیکاری ناشی از سطح پائین تولید یکی از علل پیشرفت آموزش و پرورش در ده شده به طوری که تمام دهستان که جمعا در حدود ۲۵۰ خانسوار جمعیت دارد، دارای ۱۵۰۰ دانش‌آموز است. این دهستان دارای چند دبستان و یک دبیرستان سیکل اول متوسطه است. قسمت مهمی از نیروی کار ده در اثر نبودن کار کشاورزی به شهر جذب می‌شود. یکی دیگر از علل افزایش تعداد دانش‌آموزان، نبود کارگاههای دستی نظیر قالی بافی است که معمولا نیروی کار بچه‌ها را جذب می‌کند. از طرف دیگر عده‌ای از سرپرستان خانوار بعلت وجود جاده جدیدی که در دست ساختمان است و همچنین معدن زرنده کرمان برای کار باین نقاط میروند ولی بچه‌های کوچکتر از ۱۷ تا ۱۸ ساله که امکان شرکت در این نوع کارها را ندارند در ده پیش مادرشان میمانند و لاجرم به مدرسه میروند.

حیرفت :

- ۱ - سماوی
- ۲ - ماکنگان
- ۳ - دوساری
- ۴ - لرد خزان
- ۵ - امیر آباد
- ۶ - علی آباد قدیری
- ۷ - عنبر آباد
- ۸ - محمد آباد

روستای شماره یک جیرفت

سالمی (اسماعیلی سفلی)

روستائی است از شهرستان جیرفت که فاصله آن تا مرکز شهرستان جیرفت ۶۶ کیلومتر میباشد . جمعیت این روستا و روستاهای پیوسته به آن جمعا ۳۰۰ خانوار است . محصولات این روستا عبارتست از خرما و پرتقال و لیمو . مقدار کمی هم زمین زراعتی گندم در ده وجود دارد . سه قنات باغ های خرما و زمین های زراعتی این روستا را مشروب میکند . این سه قنات را به ۹ دانگ تقسیم نموده اند . مالکیت آب عبارتست از:

۴۸ حبه متعلق به کدخدائی ده

۱۶ حبه متعلق به برادران و پسران کدخدا

۴ حبه متعلق به در حدود ۷ نفر

بقیه که تقسیمات آن به $\frac{1}{8}$ حبه میرسد متعلق به بقیه خسرده

مالکان است .

قنات این روستا در شمال غربی واقع است که قبلا خشک شده بود و در حال حاضر در اختیار دوسه مالک دیگر است که یکی از آنها کدخدا میباشد . آب آشامیدنی مردم از این سه قنات تامین می شود و این قناتها در نزدیکی

مظهر خود از خانه کدخدا و دو پسرش و همچنین دخترش عبوز میگذرد و آنها در نزدیکی مظهر با کانالی که کدهاند مستقیماً از آب قنات جهست آشامیدن و شمشو استفاده می کنند و آن را آلوده می نمایند بدین جهت بقیه مردم مجبورند آبی را که از خانه کدخدا گذشته و آلوده شده جهست آشامیدن مورد استفاده قرار دهند. مردم بارها اعتراض کرده و از کدخدا خواسته اند که اجازه دهد سر جاهی جداگانه نزدیک به خانه ها را بساز کنند و حتی به ژاندارمری شکایت کرده اند ولی بگفته خود مردم کدخدا هسر بار سیل ژاندارمها را چوب کرده و روانه شان کرده است. در جریان این دعواها پسر کدخدا رکیک ترین فحشها را نثار زنهای و دخترهای ده کس کرده است و حتی مادری یکی از دهقانان را لخت کرده و دیگران را نیز تهدید کرده است.

زنهای ده می گفتند: سیاستی در این کار کدخدا وجود دارد که او میخواهد ما راه دوری را برای آوردن آب طی کنیم تا دیگر فرصتی برای صحبت کردن راجع به دارائی او و لباس پوشیدن و طلاهای عروسش نداشته باشیم و از طرف دیگر اگر آب سالم مصرف کنیم قوی خواهیم شد و بهتر میتوانیم بساا طرف شویم.

در مواقعی که آب متعلق به افراد دیگر است و در زمینها و باغهای آنها جریان دارد کدخدا یا آبرا از روی زمینهای آنها برای مدتی بیباغهای خودش برمیگرداند و یا قسمتی از آنها همیشه جهت آبیاری نخل های خود و زمینهای زراعتی مورد استفاده قرار می دهد.

پدر کدخدا از راه رنگری سرمایه ای بهم زده و زمینهای افرادی را که

احتیاج بیول داشته‌اند با قیمت ناچیزی خریداری نموده و بدین ترتیب صاحب آب و ملکی شده بطوری که در حال حاضر مالک این سه قنات است، قسمت قابل توجهی از سهام چاه عمیق ده متعلق به کدخدا و پسرانش است. بگفته مردم کدخدا از عدم توانائی مردم در پرداخت اقساط سنگین چاه مزبور استفاده کرده و سهام آنها را خریده است (برای هر حبه از آب چاه سالانه هزار تومان تسط می دهند).

بهر حال بین مردم شهرت دارد که کدخدا از مال مردم خوری به ایمن ثروت رسیده. مثلا جهت ساختمان مدرسه و شرکت تعاونی پول جمع کرده و برای خود و پسرانش خانه ساخته. مردم می‌گویند، این خانه ها غصبی است و از پول ما ساخته شده. بطوریکه مردم می‌گویند، کدخدا با ایجاد محیط رعب و وحشت از اتحاد آنها و شکایت دسته جمعی شان جلوگیری می‌کند و اگرگاهی هم شکایت می‌کنند با نفوذی که دارد پرونده را بنفع خودش می‌بندد. ضمنا رئیس‌خانه انصاف پسر کدخدا است و بیشترین تعداد سهم شرکت تعاونی را دارا می‌باشد. روابط تولیدی بر اساس تقسیم محصول بین مالک و زارع است در صورتیکه از لحاظ رابطه " رسمی " آنها زارع نیستند و کارگر کشاورزی محسوب می‌شوند و حتی زعمی ها باید در بلغهای پرتغال و لیمو بیگاری بدهند.

یک شکل تولیدی جدید که در این منطقه بچشم می‌خورد سرمایه گسزازی یزه بها در صیفی کاری است که یکنوع روابط جدیدی در تقسیم محصول بوجود آورده است. ورود یزدیها باین منطقه ناشی از علل زیر است:

یکی اینکه آب و هوا و زمین های جیرفت برای کشاورزان سود آور است و محصولات صیفی آن به علت گرم بودن زودتر از بقیه مناطق می‌توان بیبازار

برسد و دیگری تخصص یزدها در کشت و محصولات تابستانی است. البته این را هم باید اضافه کرد که مردم فقط قادر به کشت محصولات سنتی هستند و سرمایه و ابتکار ندارند. یزدها که با کمک سرمایه داران میدان شهر جیرفت که آنها هم با میدان داران نهران ارتباط دارند در این منطقه فعالیت می کنند به دو طریق عمل می نمایند:

۱. بعضی از مالکان زمین که سرمایه جهت موتور چاه عمیق یا نیمه عمیق ندارند یزدها (با حق العمل کارها) برای آنها چاه میزنند و سپس از چند سال که از زمین بهره برداری کردند موتور چاه را تحویل خود مالک زمین می دهد تا از آن در روی زمین خویش استفاده کند. البته بطوریکه میگویند پس از انقضای مدت بهره برداری تقریباً موتور چاه یا اسقاط شده یا سر به خرج گذاشته است.

۲. سرمایه دار همراه نصفه کار با مالک ده قراردادی امضاء می کنند که پس از زدن چاه و کشت محصول را بطریق زیر قسمت کنند: الف - ۲۰٪ از کل محصول ناخالص را حق العمل کار بعنوان بهره سرمایه برداشت میکنند ب - هزینه آب کلا (خرج موتور و گازوئیل) بعهده مالک است.

ج - هزینه کارگر به طور کلی بعهده نصفه کار است. پس از کسر سایر هزینه ها آنچه که می ماند بین مالک و نصفه کار تقسیم می شود. بطوریکه می گفتند اینگونه صیفی کاری در زمینهایی که متعلق به خرده مالکین خرده پاست بطور کلی صرف نمی کند چون ۲۰٪ محصول ناخالص را اول کسر می کنند و حدود ۲۰٪ را بعنوان هزینه تهیه آب مجدد را حق العمل کار برداشت می کند و این در حقیقت استفاده دوم او از سرمایه می باشد و سرمایه نداشتن خرده مالکین

باعت می‌شود که هرگونه دخل و تصرفی که حق العمل کار بخواهد در اقبلام
 هزینه بنماید. در آخر ۲۰٪ از محصول بعنوان مزد پرداخت شده بکارگران
 که بعهدۀ نصفه کار است از کل محصول کسر میگردد. در این مورد هم چون
 نصفه کار سرمایه‌ای بجز تخصص خود ندارد در حقیقت اجیر سرمایه‌دار است
 و هزینه کارگران را بعلت بی‌پولی قبلا از حق العمل کار گرفته است که در موقع
 رسیدن محصول پرداخت نماید و آخر سر هم حدود ۲۰٪ از محصول باقی
 مانده که بین نصفه کار و مالک زمین تقسیم می‌گردد.

البته چنین شیوه‌ای در زمینهای خرده مالکین خرده پا عمل می‌شود و
 مالکین که دارای سرمایه و زمین بیشتر هستند فقط از تخصص نصفه کاران استفاده
 می‌کنند و نقش حق العمل کار که وارد کننده سرمایه است چندان اهمیتی
 ندارد.

روستای شماره ۷ و جیرفت

ماکنگان

جمعیت در حدود ۱۰۰ خانوار .

دهی است در اعماق جیرفت یعنی در ۱۷۰ کیلومتری آن که بعلت نزدیکی به میناب قاعدتا می بایست ده میناب به حساب آید . فاصله آن تا جاده^۱ اسفالته میناب - بندرعباس در حدود ۲۵ کیلومتر است . راههای ارتباطی این جاده از نوع بدترین راههای جیب رو است . کوره راههای بی که این روستا را به جیرفت مربوط می کند بزحمت ماشین از آن عبور می نماید ، بطوریکه تقریبا همه^۲ مردم این ده ، جیرفت را ندیده اند ، در حالیکه برای کار ، خرید و بیادوا و دکتربارها به بندرعباس سفر کرده اند .

این ده جلگه ای است و محصول عمده^۳ آن عسارت است از خرما ، نرت و گندم . قنات های این روستا مدت هاست که خشک شده و ۱۲ تلمبه که از چاههایی به عمق ۸ - ۷ متر آب می کشند مزارع را آبیاری می کنند .

این روستا دارای تقریبا ۱۰۰ خانوار است که اکثر قریب به اتفاق آنها در کپر زندگی می کنند . در این روستا حمام مدرسه و مستراح اصلا وجود ندارد . کپرهای این روستا پراکنده است و در سطح تقریبا وسیعی پخش شده .

در این روستا فقط تعداد انگشت شماری خانه خشتی، گلی و سنگی وجود دارد که متعلق به کدخدا و چند نفر دیگر است.

مالکیت

۱۲ تلمبه گازوئیلی کوچک که آب را از عمق ۸ - ۷ متری می کشند تنها منبع آب این روستا است. ۳ تا از این تلمبه ها به کدخدا تعلق دارد. دو نفر دیگر از اهالی این ده نیز مانند کدخدا هر کدام دارای سه تلمبه دیگر هستند یعنی ۹ تلمبه متعلق به ۳ نفر مالک و بقیه تلمبه ها (۳ تا) متعلق به دو حدود ۴ خرد مالک است که هر کدام دو، یک، نیم و حتی $\frac{1}{4}$ دانگ از هر موتور را دارا می باشند. مالکیت زمین نیز به مالکیت آب شباهت دارد و دارندگان تلمبه ها تقریباً به نسبت مقدار مالکیت تلمبه شان دارای زمین هستند ولی مالکیت آب اساسی تسر و مهتر است. البته معمولاً زمین بدون آب خرید و فروش می شود و هستند کسانی که زمین دارند و آب ندارند نتیجه میبورند که آب را ساعتی ۵ تومان از تلمبه دار ها بخرند. معمولاً زمین هایی که دارای آب و تلمبه هستند مورد خرید و فروش قرار می گیرند، منتها این زمین ها بدون آب خرید و فروش می شوند و اگر خریدار بخواهد از آب آن نیز استفاده کند، باید آب را ساعتی بخرد. البته فروشنده زمین بهیچ وجه متعهد نیست که به خریدار زمین آب بفروشد و اگر خودش به آب احتیاج داشته باشد می تواند از فروش آن خود داری کند. قیمت زمین (بدون آب) عبارتست از هر پادیه تخم کار (۳ کیلوگرم) صد تومان.

روابط تولیدی

روابط تولیدی حاکم در این ده هنوز روابط نیمه فئودالی است و هیچیک

از مراحل اصلاحات ارضی در این ده انجام نشده . رعیت (زعیم) زمین را می کارد و $\frac{1}{4}$ محصول را برای خودش برمی دارد و بقیه را به ارباب می دهد . کار کردن در نخلستان های خرما نیز به شکل سهم بری است، یعنی خرما چین $\frac{1}{4}$ محصول را بعنوان مزد کار خود دریافت می کند . مالک عمده زمین و آب ده کدخدا است . کدخدای ده مجاور نیز در این روستا آب و ملک زیادی دارد . بدین ترتیب قریب ۶ خانوار از اهالی بی زمین ده زعیم (رعیت) هستند، عده ای هم یا برای کار به بندر عباس و جزایر عربی خلیج فارس می روند و در حدود ۱۵ نفر هم در معدن کرومیت رضائی کار می کنند . سطح زندگی در این روستا بسیار پائین است و اهالی ده بیشتر به نان نرت شکم خود را سیر می کنند . دکتر و دارو و مدرسه در ده وجود ندارد و فقط عده انگشت شماری از کودکان ده باسوادند که این عده هم در ده مجاور به مدرسه رفته اند . وضع بهداشت ده بسیار بد است و در تمام ده حتی یک مستراح هم وجود ندارد . بیشتر روستاهای مجاور این ده نیز وضعشان به همین منوال است . فقط ده مجاور که مرکز دهستان است دارای مدرسه و بهداشت است که در حدود ۵ کیلومتر با این روستا فاصله دارد . بوزروازی ده (بازرگانی و صنعتی) تقریباً در این روستا وجود ندارد ، به طوری که در تمام ده حتی یک دکور باقالی دیده نمی شود . اهالی بیشتر برای خرید به مرکز دهستان می روند . پاسگاه و اندامری به این روستا نزدیک است و کنترل شدیدی بر زندگی مردم دارد ، زیرا موقعیت منطقه از نظر قاچاق حساس است . بارها بین قاچاقچیان و ژاندارمها برخورد مسلحانه رخ داده . این روستا انجمن ده ندارد و صدی دو آن بیشتر برای ده مجاور یعنی مرکز دهستان خرج می شود (به گفته)

گدسدا). گناه این امر را گدخدای این روستا به گردن گدخدای متفرد مجاور (مرکز دهستان) می گذاشت.

چون بسیاری از اهالی این روستا به ویژه خوش نشینان در معدن کرومیت رضایی که در آن نزدیکی هاست کار می کنند، مختصری راجع به این معدن می گوئیم:

معدن کرومیت رضایی

معدن کرومیت عظیمی ایست که در نزدیکی های ده ماکنگام قرار دارد. این معدن دارای هزار نفر کارگر و کارمند است.

شیوه استخراج معدن بسیار ابتدائی و با مشقت کارگران همراه است. سنگ کرومیتی که از این معدن استخراج می شود به وسیله کامیون به بندر عباس منتقل می شود و از آنجا با کشتی به خارج حمل می شود.

کارگران بسیار سخت است و در معدن تهویه و وسایل مدرنی که مشقت کار را کسر می کند وجود ندارد. کارگران عادی معدن در حدود ۶ -

۵ تومان مزد می گیرند. کارگران این معدن از اهالی روستاهای اطراف هستند و ایام هفته را در کپر های اطراف معدن می مانند و فقط شب و روز

جمعه به روستای محل سکونت خود می روند. تعدادی هم خانه ساخته شده که به عده های از کارگران واگذار گردیده. برای جلوگیری از ورود کارگران سایر

معدن و از جمله کارگران معدن آبدشت به این معدن کنترل شدیدی می شود. یکی از سر مهندسان این معدن با پیشروی می گوید که کارگران آبدشت

افراد ناراحتند و تخم اعتصاب و فساد را بین کارگران این معدن خواهند پاشید.

روستای شماره سه جیرفت

دوساری

این روستا در ۷۰ کیلومتری جیرفت قرار دارد. جمعیت آن در حدود ۳۰۰ خانوار است. بیشتر زمین های این ده زیر باغ است. محصول اساسی آن خرما، پرتغال و لیمو است. در جریان مرحله دوم اصلاحات ارضی، قسمت ناچیزی از زمین های این ده تقسیم شده (بر اساس تقسیم زمین بنسبت ۱ و ۲ بین کشاورز و مالک) و قسمت اعظم ده که باغ است جزء مستثنیات اصلاحات ارضی بوده. البته لازم به یادآوری است که قبل از اصلاحات ارضی، اینقدر از آب ده متعلق به باغ ها نبوده، بلکه مالکان برای جلوگیری از تقسیم آب و زمین شان، قسمت اعظم آب چشمه ها و قنات های روستا را به باغ اختصاص داده اند و بعداً هم باغ خود را توسعه داده اند.

این روستا قبلاً هفت رشته قنات داشته که فعلاً دو رشته قنات آن کاملاً خوابیده، یک رشته آن نیز تقریباً خوابیده و ۴ رشته دیگر آن نیز دایر است. غیر از ۴ رشته قنات دایر فوق ۲ رشته چشمه دایر که قسمت اعظم آب ده را تأمین می کند نیز وجود دارد. در نزدیکی این ده، اخیراً ۳ حلقه چاه عمیق نیز زده اند. دو حلقه از این چاهها تقریباً جزء این ده حساب می آید و یک

حلقه آن جزء ده مجاور است .

تولید روستا

تولید روستا اصولا به دو بخش تولید سنتی و تولید مکانیزه تقسیم می شود .

۱ . تولید سنتی

تولید سنتی این روستا نیز دو گونه است . یکی تولید گندم و جو و غیره که پس از اصلاحات ارضی تقریبا منسوخ شده و به مقدار ناچیزی به وسیله کشاورزان صاحب زمین شده کاشته می شود . نوع دیگر خرما و پرتغال و لیمو است که پس از اصلاحات ارضی تولید آن توسعه یافته و این امر ناشی از این است که مالکان در جریان اصلاحات ارضی قسمت اعظم آب خود را به باغ اختصاص دادند تا از گزند تقسیم ر امان باشد و مقدار ناچیزی از آب را هم برای زمین ها گذاشتند که این مقدار ناچیز به نسبت ۱ و ۲ بین زارع و مالک تقسیم گردید . اکنون در حدود ۱۰۰ نفر کشاورز خرده مالک در ده وجود دارد که هر یک از ده دقیقه تا دو ساعت آب دارند . این مقدار بهیچوجه برای گذران آنها کافی نیست و کشاورزان خرده مالک برای تامین معاششان اغلب کارگری می کنند . قسمتی از آب و زمین های تقسیم شده نیز که سهم مالکان شده به وسیله کشاورزان بر اساس انساب (سهم بری ارباب رعیتی) کاشته می شود و رعیت برای کار خود $\frac{1}{4}$ محصول را می برد .

۲ . تولید مکانیزه

تولید مکانیزه روستا مال یکفربزیدی است که به عنوان نصفه کار وارد ده شده و اکنون مالک قسمتی از آب (چاه عمیق) و زمین های ده شده است . او به کمک نصفه کاران و اسد کاران بزیدی تولید مکانیزه را می چرخسانند .

محصولات اساسی یزدیها بیشتر صیفی کاری است. آن‌ها با توجه به ویژگی‌های جیرفت، یعنی گرمای آن و زودرسی محصول به این منطقه آمده و سرمایه‌گذاری کرده‌اند. دربارۀ نصفه کاری یزدی‌ها باز صحبت خواهیم کرد.

مالکیت آب روستا

چنانکه آمد این روستا ۲ چشمه، ۴ قنات و ۲ حلقه چاه عمیق دارد که مالکیت آنها بدین ترتیب است:

۱. چشمه شماره ۱. این چشمه که آبش از تمام قنات‌ها و چشمه‌های ده زیادتر است. قسمت بیشتر آبش به باغ‌ها اختصاص دارد. به عبارت دقیق‌تر گردش آب چشمه ۱۲ شبانه روز است که ۷ شبانه روز آن به باغ‌ها می‌رود و در حدود ۶۰ هکتار باغ را آبیاری می‌کند و در حدود ۳ شبانه‌روز آن نیز صرف صیفی کاری یزدی‌ها می‌شود (دقیقاً ۲ شبانه‌روز و ۲۲ ساعت) و ۵ ساعت آن هم مال کشاورزان خرده مالک است که در جریان اصلاحات ارضی صاحب آب شده‌اند (۵۰ نفر).

چنانکه گفتیم گردش آب این چشمه ۱۲ شبانه‌روز، یعنی ۲۸۸ ساعت است. مالکیت این ۲۸۸ ساعت بدین قرار است:

الف. ۱۱۴ ساعت از آب این چشمه متعلق به یک فتودال است. قبل از اصلاحات ارضی این شخص ۱۴۳ ساعت آب داشت ولی در جریان اصلاحات ارضی ۳۰ ساعت آن تقسیم گردید (بین ۳۵ نفر زارع). این مالک ساکن ده نیست.

ب. ۶۰ ساعت از آب این چشمه متعلق به یک فتودال زردشتی است. این مالک قبل از اصلاحات ارضی ۷۲ ساعت آب داشته که ۱۲ ساعت آن

تقسیم گردید . این مالک ساکن ده نیست .

ج . نه نفر خرده مالک غیر عامل جمعا ۴۸ ساعت آب دارند . این عده

ساکن ده نیستند .

د . ۲۴ ساعت از آب چشمه متعلق به يك سرمایه دار بیزی است . این

مالک - سرمایه دار در ده سکونت ندارد .

۲ . چشمه شماره ۲ . این چشمه آب ناچیزی دارد که مال خرده مالکان

است . مالکان این چشمه هر يك چند درخت بیشتر ندارند . تمام آب این

چشمه مختص باغ است .

۲ . قنات شماره يك ، گردش آب این قنات ۱۲ شبانه روز است یعنی ۲۸۸

ساعت . تمام آب آن به باغ اختصاص دارد . مالکیت این قنات بدین قرار

است :

الف - ۸۴ ساعت به يك فتودال تعلق دارد که ساکن ده نیست .

ب - ۱۲۰ ساعت به دو فتودال تعلق دارد که ساکن ده نیستند .

ج - ۱۲ ساعت به يك فتودال دیگر تعلق دارد که ساکن ده نیست .

د - ۷۲ ساعت از آب چشمه به چند نفر خرده مالک ساکن ده تعلق

دارد .

۴ - قنات شماره ۲ ، گردش آب این قنات ۱۴ شبانه روز است یعنی

۳۳۶ ساعت . تمام این آب به باغ اختصاص دارد .

الف - ۶۰ ساعت از آب این قنات متعلق به يك فتودال است که در ده

سکونت ندارد .

ب - ۸۲ ساعت از آب این قنات متعلق به دو فتودال است .

ج - ۴۸ ساعت از آب قنات متعلق به يك فتودال و پسرش است كسه پدر ساكن ده میباشد .

د - ۲۴ ساعت به يك فتودال تعلق دارد كه ساكن ده هست .

هـ - ۱۲ ساعت به يك فتودال تعلق دارد كه ساكن ده نیست .

و - ۱۵ ساعت به يك فتودال تعلق دارد كه ساكن ده نیست .

ز - ۷۱ ساعت هم به در حدود سی نفر خرده مالك تعلق دارد .

۵ - قنات شماره ۳ ، گردش آب این قنات ۱۴ شبانه روز است یعنی

۳۳۶ ساعت كه تمام آن به باغ اختصاص دارد :

الف - ۴۵ ساعت به يك فتودال كه ساكن ده نیست .

ب - ۸۰ ساعت به يك فتودال كه ساكن ده نیست .

ج - ۲۴ ساعت به دو فتودال كه ساكن ده نیستند .

د - ۴۸ ساعت به دو فتودال كه ساكن ده نیستند .

هـ - ۶ ساعت به يك فتودال كه ساكن ده نیست .

و - ۱۳۳ ساعت به ۳۰ نفر خرده مالك .

۶ . قنات شماره ۴ گردش آب این قنات ۱۲ شبانه روز یعنی ۲۸۸ ساعت

است كه تماما به باغ اختصاص دارد و مالكیت آن بدین قرار است :

الف - ۱۰۰ ساعت متعلق به يك فتودال و خواهرانش است كه ساكن

ده نیستند .

ب - ۳۳ ساعت متعلق به يك فتودال است كه در ده سكوت دارد .

ج - ۳۶ ساعت متعلق به سه نفر فتودال است كه ساكن ده نیستند .

د - ۲۰ ساعت متعلق به يك فتودال كه ساكن ده نیست .

هـ - ۲۲ ساعت متعلق به سه نفر خرده مالک که همه ساکن ده هستند .
و - ۱۲۰ ساعت متعلق به در حدود ۲۰ نفر خرده مالک .

مالکیت زمین و باغ .

۱ - مالکیت باغ

مالکیت باغ بعد از مالکیت آب اهمیت دارد . بیشتر باغ ها مال فتودالها است (به نسبت مقدار آبشان) و مقدار ناچیزی از باغ ها هم متعلق به خرده مالکانی است که هر یک بیشتر از چند درخت ندارند . این چند درخت به هیچگونه برای اداره زندگی آن ها کافی نیست و لاجرم به عملگی در شهر و روستاهای مجاور و حتی خود روستا می پودازند و یا در باغها و زمین های ارباب و یا زمین های مکانیزه یزدی ها کار می کنند . باغ های بزرگ به طور کلی ندرتا خرید و فروش می شود ، اما خرید و فروش باغ های چند درختی بیشتر است . قیمت باغ ها هم مشخص نیست و بر اساس وضع باغ و موقعیت طرفین است . رایج نبودن معامله باغ سبب شده که ضابطه مشخصی برای قیمت گذاری باغ وجود نداشته باشد . برای روشن شدن قشر بندی مالکسان باغ ها باید به مالکیت چشمه ها و قنات ها مراجعه کرد که قبلا به طور تقریبی مفصل راجع به آن گفته شده ، زیرا مالکیت باغ بدون مالکیت آب عملا معنی ندارد .

۲ - مالکیت زمین

در این روستا زمین های زیادی وجود دارد که به علت نبودن آب قابل استفاده نیست . فعلا هم زمین های بدون آب یا زمین هایی که از دسترس آب به دور است خرید و فروش نمی شود ، فقط گاهی مقدار ناچیزی برای

ساختن دکان و خانه، آنها در کنار کوچه و خیابان و در نزدیکی محل سکونت مردم خرید و فروش می شود. زمین های بدون آب مسیر خیابان هر قطبسی حد اکثر ۵ تومان و حداقل هر قطبی ۲۰ تومان (هر ۴۰۰ قصب يك هكتار است) است. در مورد مالکیت زمین های مکانیزه هم که باید گفت که قسمتی از زمین های مکانیزه را يك سرمایه دار بیزی که کار فرمای مزارع مکانیزه ایسن روستا است از فتودال های محلی خریده و قسمتی را نیز همراه با آب از آن ها اجاره کرده که بعدا شرح مفصلش خواهد آمد.

روابط تولیدی در بخش تولید سنتسی.

۱ - روابط تولیدی در باغ

باغ ها چنانکه گفته شد در مالکیت فتودال های بزرگ است. در باغهای پرتغال و لیمو اکثرا کارگرهای روزمزد کار می کنند که روزانه ۴ ریال مـزد میگیرند. اما در باغ های خرما بیشتر سهم بـری (انسیا) رایج است. رعایای باغ های خرما در ازای کار سالانه خود اکثرا $\frac{1}{4}$ و گاهی هم $\frac{1}{5}$ محصول را می برند. تا آنجا که ما اطلاع داریم، این ظالمانه ترین نوع انسیا است. با توجه به اینکه تمام آب چهار رشته قنات و تمام چشمه شماره ۲ و $\frac{7}{12}$ از آب چشمه شماره ۱ (یعنی ۷ شبانه روز از ۱۲ شبانه روز آب آن) همه به باغ اختصاص دارند. اهمیت باغ و اهمیت نقش روابط تولیدی باغ در زندگی مردم روستا روشن می گردد. رعیت های (زعم ها) که در باغ ها کار می کنند، بهیچوجه سهمشان از محصول برای اداره زندگیشان کافی نیست و بیشتر به عطگی در خود روستا، شهر و روستاهای مجاور می پردازند.

ویا در زمین های مکانیزه یزدی ها (به هنگام کار) کار می کنند .
 روابط تولیدی در زمین .

در جریان اصلاحات ارضی . ۵ ساعت از ۱۲ شبانه روز آب چشمه شماره ۱ یک بین در حدود . ۵ کشاورز تقسیم شد . به هر یک از کشاورزان سه تقریب . ۱ دقیقه تا دو ساعت ندرتا بیشتر هم آب رسید ، مقداری زمین هم به هر یک از آن ها دادند . اکنون این کشاورزان خرده مالک در زمین های خود گندم ، جو و غیره می کارند ولی چون مقدار آبشان بسیار کم است ، زندگیشان از این راه بهیچوجه تامین نمی شود و آنها ناچار یا عملگی می کنند ، یا در باغ ارباب کار می کنند و یا در زمین های مکانیزه یزدی ها (در فصل کار) روابط تولیدی در بخش تولید مکانیزه .

۱ - حدود و وسعت تولید

یکنفر یزدی که در گذشته به عنوان نصفه کار وارد این روستا شده اکنون مالک قسمتی از آب و زمین روستا است و مقدار زیادی زمین و آب نیز اجاره کرده و در آن ها مزارع مکانیزه ایجاد نموده .

این سرمایه دار ، یک چاه عمیق دارد که یک تلمبه با دو موتور روی آن گذاشته یکی از موتور ها به قدرت ۱۷۰ اسب و دیگری به قدرت ۱۷۵ اسب است که همیشه یکی از موتور ها کار می کند و دیگری زاپاس است .

هر یک از موتور ها تقریباً ساعتی ۲۰ لیتر گازوئیل می سوزاند (ساعتی ۴ تومان) و بنده از یک لوله ۸ اینچی پر آب می دهد .

این شخص یک چاه دیگر هم از یک فتودال اجاره کرده و خودش روی آن موتور

۱۵۰ اسب گذاشته که این موتور ۶ اینچ بر آب می دهد . مقدار ی هـ مـ
از آب چشمه شماره ۱ (۲ شبانه روز و ۲۲ ساعت از ۱۲ شبانه روز) را به
اضافه مقدار زیادی زمین از همان فتودال اجاره کرده و سالانه رویم ، یعنی
برای چاه پیش گفته و زمین و ۷۰ ساعت آب چشمه شماره یک جمعا ۱۲۰ هزار
تومان اجاره می دهد . ضمنا در مورد چاه ، قرار داد پنجساله دارد که
طبق این قرار داد پس از پنج سال موتور ۱۵۰ اسب به مالکیت همان فتودال
در می آید و سرمایه دار یزدی بر چاه فوق هیچگونه حقی نخواهد داشت .

این سرمایه دار یزدی در چاه اولی هم (چاه با موتور ۱۷۰ اسب) با
سه مالک قبلی زمین ها شریک بود ، که بعدا در اثر مقروض شدن آن مالک ها
زمین و چاهشان را صاحب شده .

به عقیده موتوربان چاه ، علت آمدن یزدی ها به این منطقه یکی نداشتن
سرمایه کافی مالکین محلی و دیگری وارد نبودن آن ها به کشت مگردن و مکانیزه
و محصولات جدید مناسب با منطقه بوده است . زیرا مالکین قبلا فقط محصولات
سنتی را کشت می کردند ولی یزدی ها محصولات جدید مناسب فصل می کارند .
این سرمایه دار یزدی (به گفته موتوربان چاه) بیش از ۷۰ چاه عمیق در
اطراف جیرفت دارد که برخی از آنها مال خودش است و برخی را اجاره کرده .
محصولات مزارع مکانیزه این روستا بیشتر صیفی کاری است مانند خیار سبز ،
هندوانه ، طالبی ، لوبیا ، بادمجان و گوجه فرنگی ، که مستقما آنها را به
تهران می فرستند . می گویند در فصل برداشت محصول ، روزانه حتی ۶۰ کامیون
خیار سبز از زمین های مکانیزه این روستا بارگیری می شود .

۲. شکل معامله سرمایه دار یزدی با نصفه کار.

ابتدا این سرمایه دار یزدی نصفه کار بوده ولی اکنون خودش مالک و اجاره دار زمین ها شده و کسی دیگر که او هم یکتفر یزدی است برایش نصفه کاری می کند. بدین قرار:

سرمایه دار آب و زمین را تامین می کند و تمام مخارج مربوط به این دورا از جیب خودش می پردازد. نصفه کار نیز تمام هزینه های مربوطه به کار و کارگر را از جیب خودش می پردازد و بقیه مخارج از قبیل کود و بذر و غیره بین هر دو طرف معامله تقسیم می شود.

پس از برداشت محصول آن را به تهران می فرستند، حق العمل کاری که از میدان داران تهران است این محصولات را می فروشد و یکدوم بهسای محصول فروش رفته را به عنوان حق العمل فروش برداشت می کند. به گفته موتوربان امکان دارد که میدان داران تهران با این سرمایه دار یزدی شریک هم باشند. پس از این کارها، درآمد حاصله نصف می شود.

۳. مزد و کار.

مزد موتوربان و برادرش رویهم که روی دو چاه حاجی کار می کنند و خانه آنها نیز نزدیک چاه است و ۲۴ ساعت تمام از چاه مراقبت می کنند ماهی ۶۰۰ تومان است یعنی یک نفرشان ۴۰۰ تومان و یک نفرشان ۲۰۰ تومان. به طور کلی کارگران دایی در این مزارع کنند و اکثر کارگران فصلی هستند که روزانه ۴ تا ۵ تومان مزد می گیرند. زن ها و دخترها هم موقع چیدن و بذر پاشی در مزارع مکانیزه کار می کنند و روزانه ۱ تا ۲ تومان مزد می گیرند. آنچنان که از گفته اهالی برمی آید بین یزدی ها و فتودال های

محلّی تضاد وجود دارد و این یزدی ها روز به روز املاک را از چنگ مالکین بیرون می آورند . یزدی ها در مزارع خودشان اصلا محصولات سنتی گندم و جو و پنبه کشت نمی کنند . در صورتیکه اگر یزدی ها نباشند ، فتودال های محلّی نمیتوانند محصولات جدید و مناسب منطقه را بکارند . گذشته از این فتودالها از عهده اداره سازمانهای جدید تولیدی که روابط تولید سرمایه داری بر آن حاکم است عاجزند و بندرت کسانی در میان فتودالها یافت می شود که بتوانند که فتودالی خود را با که بورژوازی عوض کنند . کارفرمایی بورژوازی احتیاج به نوآوری ، سازماندهی ، کاردانی ، ریسک و خلاصه کارهایی دارد که از عهده یک فتودال ساخته نیست . مثلا هیچکس از فتودالهای این روستا قادر نبود با سرمایه گذاری در زمین از آن محصول هندوانه بردارد و به عنوان محصولی زودرس یا قیمتی گران به بازار های تهران عرضه کند .

مزد کارگران یزدی معمولا بیشتر است به طوریکه به ۱۰ و حتی ۲۰ تومان در روز هم می رسد ، در صورتیکه مزد کارگران محلّی بندرت به ۸ تومان (آنهم فقط به استادکاران) می رسد . علت این امر این است که یزدی هایی که در مزارع مکانیزه این ده کار می کنند بیشتر استادکارانی هستند که خسود کارفرما آنها را از یزد آورده و کارگر ساده در بین آنها نیست . گذشته از این تعداد این نوع کارگران کم است و به هر حال در هر سازمان تولیدی می بایست عده کمی سرکارگر و کارگر مرفه وجود داشته باشد که در اینجا یزدی بودن توجیه این امر شده . می گویند که کارگر محلّی به خوبی یزدی ها کار نمی کند . البته این تا حدودی درست است ، زیرا کارگر محلّی هنوز از بند ویژگی های

روحی و اخلاقی رعیتی (دهقانی) نرسته که هیچ، هنوز دهقان است و تنبلی و کم کاری و بی کاری پنهان دهقانی در روحیه و رفتار و عملکردش نهفته است و نمی تواند مانند کارگران متخصص پزندی حرص و ولع سرمایه داران را فرو نشاند .

روستای شماره چهار جیرفت

لرد خران

جمعیت . ۱ خانسوار .

منابع آب = ۲ حلقه چاه عمیق

زراعت اصلی = گند مکاری و صیفی کاری

این روستا قبلا مال يك فتودال بوده ولی فعلا با يك نفر سرمایه دار معروف

یزدی که قبلا نصفه کار بوده شریک است و هر يك مالک نصفی از روستا

هستند .

اراضی این روستا مکانیزه است و کارگر روزی ۴ تومان مزد می گیرد. در حدود

بیست خانوار که از ده مجاور بیرونشان کرده اند (چون خوش نشیمن

بوده اند) به این روستا آمده اند و هر يك ده تا بیست قصب زمین برای محل

سکونت خود خریده اند قصبی ۱۲/۵ تومان . آنها در این زمین ها خانه

ساخته اند و مردان خانواده روزها برای کار به شهر یا روستاهای مجاور میروند.

روستای شماره پنج جیرفت

امیرآباد

جمعیت ۵۷ خانوار .

شایع آب :

- ۱ حلقه چاه عمیق که هم باغ را مشروب می‌کند و هم زمین را .
 - ۲ حلقه چاه نیمه عمیق که هم باغ را مشروب می‌کند هم زمین را .
- زمین های صیفی کاری و زراعتی این روستا بیشتر از باغ های آن است .
 زمین ها صیفی کاری می شود و دست دو نفر نصفه کار است .
- تمام زمین و باغ روستا و همچنین چاههای آب و تلمبه های آن متعلق به
 يك نفر فتودال است . در باغ ها باغبان کار می‌کند که هر باغبان سالانه ۶۰۰
 تومان نقدی و ۳۵۰ من گندم به عنوان مزد می‌گیرد . کارگر موقتی هم در باغ
 ها کار می‌کند که هر کارگر روزی ۴۰ - ۱۵ ریال مزد می‌گیرد .
- زمین های زراعتی نیز چنانکه گفته شد در دست نصفه کارهای یزدی است .
 یزدی ها به هر کارگر محلی روزی ۵۰ - ۴۵ ریال مزد می‌دهند . نصفه کاران
 یزدی از یزد نیز کارگر می‌آورند . با این کارگران از همان خود یزد قرار داد
 می‌بندند که از ۲۰ مهر تا ۱۰۵ روز پس از عید نوروز در اینجا کار کنند و روزانه
 هر يك از ۱۵۰ - ۱۰۰ ریال مزد بگیرند . کارگران یزدی سرکارگرند .

روستای شماره شش جیرفت

علی آباد قدیری

منابع آب :

۱ حلقه چاه عمیق (برای باغ مرکبات و خرما)

۱ حلقه چاه عمیق (برای گندم و جو و صیفی کاری)

۱ حلقه چاه نیمه عمیق (برای گندم)

مالك تمام روستا با اضافه ۳ حلقه چاه عمیق یکی از فتودال های محلی است . فقط يك حلقه چاه نیمه عمیق و تلمبه آن و نیز ۳۰ هکتار زمین متعلق به کشاورزان است که جریان آن بدین قرار است :

در جریان اصلاحات ارضی فتودال یاد شده چند حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق وزد و در نتیجه قنات روستا خشکید و ده شامل اصلاحات ارضی نگردید . روستائیان صاحب نسق شکایت کردند . پس از میانجیگری اداره اصلاحات ارضی چاه نیمه عمیق را که موتوری چهار اینچی داشت همراه با ۳۰ هکتار زمین بسه زارعان فوق فروختند که هنوز قسط بندی نشده . آب این چاه و ۳۰ هکتار از زمین های ده بین ۲۰ نفر کشاورز تقسیم گردید . چنانکه یاد شد موتور این چاه چهار اینچ قدرت دارد ولی عملاً ۱/۵ اینچ بیشتر آب نمی دهد و آن هم

فقط شبانه روزی ۱۰ ساعت زیرا چاه آن بیشتر آب ندارد .

هریک از کشاورزان صاحب زمین شده معادل ۲۰ من تخم کارآب و زمین گیرش آمده که با توجه به اینکه هر دانه تخم ده دانه محصول می دهد (فقط گندم می کارند) این مقدار زمین و آب برای گذراندن زندگی کشاورزان فوق بهیچوجه کافی نیست و آنها با کارگری (بیشتر در پیش یزدی ها) زندگی خودشان را تامین میکنند .

گندم این ۳۰ هکتار زمین تقسیم شده مقدار ناچیزی از تولید ده رانشکیل می دهد . تولیدات اساسی ده مرکبات ، خرما و صیفی کاری است . علاوه بر این ۳۰ هکتار زمین زراعتی برده وجود دارد که مال فتودال اینجا و در دست سرمایه دار نصفه کار یزدی است . چهل هکتار هم باغ آباد وجود دارد که باز مال فتودال یاد شده است . این فتودال سال گذشته ۱۲ هکتار نیز باغ تازه ریخته است که یک موتور ۶ اینچی روی چاه عمیق آن را آبیاری می کند .

باغ های این فتودال به وسیله یک کارمند با ماهی ۱۰۰۰ تومان حقوق (صندوقدار) سه نفر کارگر سرپرست با ماهی هر یک ۵۰۰ تومان حقوق و تعدادی کارگر غیر دائمی اداره می شود . حداکثر حقوق کارگران غیر دائمی که حقوق کارگران بیل زن است روزی ۴ تومان می باشد .

چنانکه گفته شد سرمایه دار نصفه کار یزدی (قدیری) در زمین های زراعی پیش گفته صیفی کاری می کند . او از کارگران روز مزد برای کار در این مزارع استفاده می نماید . مزد کارگران روز مزد که همه موقتی هستند بدین قرار

است :

زن روزی ۳۰ ریال

بیجه روزی ۲۰ - ۱۵ ریال

کارگریزی ماهی ۴۰۰ - ۳۶۰ تومان

ضمناً کارگران یزدی را برای چند ماه از سار به اینجا می‌آورند و آنها هم دایمی نیستند. یزدی‌ها همه کارگر استادکار و سرکارگر هستند و کارگر ساده ندارند.

محصولات این روستا بیشتر به کرمان و اصفهان و تهران فرستاده می‌شود.

www.iran-archive.com

روستای شمارهٔ هفت جیرفت

عنبرآباد

جمعیّت ۸۴ خانوار.

منابع آب .

یک رشته قنات

دو حلقه چاه عمیق

تمام این روستا و قنات و ۲ حلقه چاه آن با تلمبه ها مال یک فتودال محلی است . این ده و روستای مجاور آن قبل از اصلاحات ارضی رویهم در رشته قنات داشتند . هر دو روستا متعلق به فتودال یاد شده بود . او برای اینکه زمین و آبش تقسیم نشود هر دو روستا را یک پلاک (یک ۶ دانگی) قلمداد کرده بود ولی روستائیان شکایت کردند و در نتیجه روستای مجاور با یک رشته از قنات ها تقسیم گردید و این روستا برای فتودال باقی ماند که بعداً برای جلوگیری از تقسیم در مراحل بعدی اصلاحات ارضی ، چاه عمیق زد و روستا را مکانیزه کرد .

اکنون قسمت اعظم زمین های ده (به قول کدخدایان آن) را صیفی کاری می کنند و بقیه آن باغ خرما و مرکبات است . باغ ها بر اساس مزدبستری

اداره می شود . مزد هر بلغیان روزانه ۵ - ۴ تومان است .
زمین ها در دست نصفه کاران یزدی و اصفهانی است . قرارداد نصفه کاری
درست مانند روستای شماره ۳ جیرفت است .
نصفه کاران به کارگر جیرفت و محلی ۵ تا ۶ تومان مزد می دهند ، در
صورتی که به کارگر یزدی و اصفهانی روزی ۱۵ تا ۲۰ تومان مزد می دهند .
این روستا قرار است جزء اراضی کشت و صنعت بشود .

روستای شماره هشت جیرفت

محمد آباد

جمعیت ۳۲۱ خانوار.

منابع آب :

۲۰ حلقه چاه نیمه عمیق

۹ حلقه چاه نیمه عمیق با موتورهای ۲۶ - ۶ اسب

این ده به روستای شماره (۷) جیرفت پیوسته است . مالکیت آبهای

ده بدین قرار است :

۱ حلقه چاه عمیق مال یکنفر از فتودهای معروف (عباس خان امیری) ۱

۵ حلقه چاه نیمه عمیق مال همان فتودال

۱ حلقه چاه نیمه عمیق مال یک نفر فتودال دیگر

۱ حلقه چاه نیمه عمیق مال یک فتودال دیگر

۱ . این شخص که یکی از فتودهای معروف و بانفوذ این نواحی است سال گذشته از طرف دولت به عنوان کشاورز نمونه به اسرائیل فرستاده شد، تا از تاسیسات کشاورزی آنجا دیدن کند . در سال آینده نیز قرار است سه فتودال و یک سرمایه دار معروف دیگر به عنوان کشاورز نمونه به اسرائیل فرستاده بقیه پاورقی درص بعد

۱ حلقه چاه نیمه عمیق مال ۳ نفر دیگر که بالتساوی شریکند .
 ۱ حلقه چاه نیمه عمیق مال در حدود ۸ نفر دکاندار که بانچه های
 جلوی مغازه شان را آب میدهند .

۱ حلقه چاه عمیق هم وجود دارد که برای مصرف لوله کشی تمامی
 روستا و روستای مجاور است .

قسمت اعظم آب چاههای عباس خان امیری باغ های او را مشروب میکند
 و مقداری هم از این آب ها به زمین های زراعتی می رود . این فتودال در حدود
 ۶۰ هکتار باغ دارد و در حدود ۳۰ تا ۴۰ هکتار هم زمین زراعتی که در دست
 یزدی ها و رایینی هاست . نصفه کاران یزدی و رایینی در این زمین ها صیفی -
 کاری می کنند .

چاه نیمه عمیق فتودال دیگر هم در دست يك نفر رایینی و يك نفر یزدی
 است که در آن صیفی کاری می کنند (بالمناصفه)

يك فتودال دیگر هم خودش صیفی کاری می کند .

زمین های این روستا هم چهار دانگش مال عباس خان امیری فتودال
 یاد شده است و ۲ دانگش مال ۳۰ نفر خرده مالک .

محصول اساسی این روستا خرما، مرکبات و صیفی کاری است که عموماً به

شوند . این چهار نفر عبارتند از :

۱ . غلامحسین خان مهیبی مالک ده رضا و برادر رضاخان مهیبی مالک حجت
 آباد . ۲ . محمد خان بحرینی یکی از مالکان دوساری .

۳ . محمد خان شاپوری مالک بیژن آباد . ۴ . رجبعلی قدیری سرمایه دار معروف
 زدی که زمین های روستای علی آباد قدیری را به مزارع مکانیزه تبدیل کرده .
 لازم به یاد آوری است که فتودالهای یاد شده و همچنین عباس خان امیری
 به سرعت دارند به بورژوا تبدیل می شوند .

تهران فرستاده می شود. چند نفر از میداناران تهران تمام محصول اینجا را می برند. آنها قبلا پیش قسط می دهند و بعد بتدریج بقیه اش را می بردازند. میداناران نوبر محصول را بقیمت خوبی می خرند ولی بعدش را هر طور دلشان خواست.

این ده بیشتر شکل شهرک دارد. دارای خیابان و مغازه های کسار خیابان است. در حدود ۱۰۰ دکان دارد. وجود مغازه های کفاشی، آرایشگاه، قصابی، نانوائی، جوشکاری و نجاری از خصوصیات شهری این روستا است. این روستا حمام دارد و هر نفر که حمام می رود پانزده ریال می پردازد. بیشتر مردم این روستا بعلت نداشتن پول، در قنات عنبرآباد یا سر تلعبه ها آب تنی می کنند.

بسیاری از ساختمانهای اداری این روستا از بخشوده های عباس خان امیری فتودال معروف این روستا است.

شرکت تعاونی این روستا ۲۳ هزار تومان سرمایه دارد و ساختمان آن نیز اهدایی عباس خان امیری فتودال یاد شده است.

این روستا ۳ مدرسه دارد: یک دبستان پسرانه، یک دبستان دخترانه و یک دبیرستان مختلط.

تعداد یازده آموزگار مرد و ۶ آموزگار زن در این ده وجود دارد. ه نفر از آموزگاران مرد در دبیرستان تدریس می کنند. دبیرستان برای هر نفر سالانه ۱۳۰ تومان شهریه می گیرند.

درمانگاه روستا یک پزشک و یک پزشیار و ۴ کارمند دارد. زایمان راماماها — ی محلی انجام می دهند و اگر مرگ و میری پیش آمد (به قول کدخدای خدا

رحمستان کند . ماما ها برای هر زایمان ۲۰ --- ۱۰۰ تومان می گیرند .

خانه فرهنگ روستایی

خانه فرهنگ روستایی این روستا که ساختمان آن اهدایی عباس خان امیری است ، عبارتست از مهد کودک ، زمین والیبال ، کتابخانه و دو اطاق با چند صندوق . هر کس سالی ۶ تومان بپردازد عضو خانه فرهنگ روستایی است و می تواند از آن استفاده کند .

۱ - مهد کودک

مهد کودک يك اطاق از خانه فرهنگ روستایی را اشغال کرده و ۲۵ نفر کودک از صبح تا ظهر در آن می لولند . يك زن بیسو اد که خود خانه فرهنگ او را استخدام کرده و ماهی ۱۰۵ تومان می گیرد از بچه ها مواظبت می کند . گاهی به بچه ها خوراکی (شیرینی) می دهند . مهد کودک برای هر يك از بچه ها ماهی ۵۰ تومان بودجه دارد و ۲۵ کودک را می تواند بپذیرد . این ۲۵ نفر از بین کودکان انتخاب می شود که دارای شرایط زیر باشند :

الف - عضویت پدر در شرکت تعاونی .

ب - سن بین ۴ تا ۶ سال .

اگر تعداد زیادی کودک واجد شرایط به مهد کودک مراجعه کنند ، مهد کودک ۲۵ نفر از آنها را به ترتیبی که مراجعه کرده اند می پذیرد .

۲ - کتابخانه

در یکی از اطاق های خانه فرهنگ روستایی قفسه ای (تقریباً يك متری) گذاشته شده و تعداد ده تا بیست شماره از مجله ها و کتاب های تبلیغاتی وزارتخانه ها در آن چیده شده است . در بین آنها جزوات ترویج کشاورزی

نیز هست . این کتاب ها و مجلات تقریبا مورد استفاده کسی واقع نمی شود .
مدیر عامل حرفه ای و سپاهی ترویج و آبادانی خانه فرهنگ را اداره می کنند .

پایان

بنا ایمان به پیروزی راهمان

www.iran-archive.com

از انتشارات : سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۸۰ ریال